

مکتوب دزفول

ارنونی از حضرات بختیاری بریاست سردار اشجع و سردار قانع و متظم الدوله و شجاع السلطان و غیره بدزفول وارد شدند، در میان اهالی شهرت افتاد که حکومت دارند و از مرکز مخصوصاً برای انتظام صفحه عربستان حرکت نموده اند؛ اهالی شهر که مدتها گرفتار بی نظمی و تعدیات مردمان و حتی داخله و خارجه بودند در این موقع وجود آنها را برای خود فرج بعد از شدت تصور نموده مقدم شان را گرامی شمرده بعد از دو سه بوم توقف ب مردم شهر اعلان دادند که برای مواجب سواران بقایای مالیات سه ماضیه باید برداشته شود.

مستوفی با انصاف که مدتها متروک بود یک دفعه جلوس نموده و قلم هزار درجه بدتر از تیغ جلاد را بچولان در آورده بنا کرد حواله بچجا برده نمودن و هر قدر که قوه داشت در تضییع و خرابی بندگان خدا کوتاهی نکرد، واقفاً این مرد با انصاف نوعی شلوق کاری کرد که داستان احکام ماضی شهر بلخ که گفته اند

(گنه کرد در بلخ آهنگری)

(بهکشان زدی گردن مسگری)

واقفیت پیدا کرد مثلاً بعضی از کسبه دزفول که مدتها بود بواسطه کسادی کار از دزفول فراری شده بودند مالیات آنها را بدیگران سرکش نموده حواله دادند اهالی شهر هر چه داد و فریاد نمودند که این چه وضع حکومت است برای چه مالیات دیگری را که خودش منقودالانراست از ما مطالبه میکنید آن هم باین تشدد این حرفها بخرج حضرات ترفه بر تشدد خود میافزودند، مگر اینکه این شخص رفته خودش مستوفی را دیده آنوقت آسوده میشد، حاصل آنکه قدر ده دوازده بوم نگذشت که جمیع بقایای دیوانرا از نقد و جنس که معادل ده دوازده هزار تومان میشد گرفته در میان خود تقسیم نمودند، اگرچه بدو امر عنوان نمودند که اصل مقصود از مطالبه مالیات برای مواجب حضرات سوار گوندی میباشد ولی بعد از آنکه بقایای ماضیه را تا

دینار آخر وصول کردند معلوم شد که برای خود شان میباشد یکدینار از وجوه نقد بحضرات سکوند ندادند نهایت نمسکی دست آنها داده قدری حواله بهاملاک مغربی دزفول که مدت هاست خالی و بی بزوغ مانده دادمانند، در صورتیکه سال گذشته وکلای عربستان بملاحظه خرابی املاک مذکوره حکم از مجلس شووای ملی صادر نموده بودند که املاک مغربی دزفول ثلث مالیات مقرری معمولی را بدهد معذالک مستوفی با انصاف جمیع مالیات آنها را حواله داده فقط احسانی که در حق ارباب املاک نموده اند این است که چند بوم مدت با آنها داده که موقع محصول شتوی برسد حضرات میخواهند این جزئی محصول شتوی را که هزار زحمت و مشقت تمام شده اند بموض مالیات برند

حاصل کلام آنکه بعد از فراغت از امر خرابی دزفول حرکت نموده با اردوی خود رفتند بطرف شوشتر در آنجا آتش فتنه و فساد را بنویسی بلند کرده اند که هنوز با اینکه مدتی است رفته اند دارد شعله میکشد و دود میکند

حاجی شیخ مرافعی و باقر خان کلایر را که مدتها است وجود ایشان در شوشتر اسباب منسده کلی شده بود بحکم سردار ارفع از دخول در شوشتر ممنوع و از جمله مطرودین شمرده میشدند - حضرات بختیاری محض عناد و اولاً برای پناه جوئی در پیش سردار ارفع بتوسط مکاتبه از آنها توسط نموده، سردار ارفع جوابهای شافی افتاعی که در این خصوص به آنها داده که قانوناً بعد از آن اجوبه دیگر ابدأ محل سؤالی برای ایشان باقی نگذاشته مثل این که در جواب مکتوب تالی این نوع مرقوم داشتند: (که چون وجود این دو نفر مخصوصاً در شوشتر محل آسایش رعیت شده بود بدین سبب يك چندی صلاح در اخراج آنها اقتضا مینمود، حالا چنانچه حضرات خوانین عود آنها را جداً خواهانند مقرر دارید با نهایت اطمینان بیایند در محره بنوع صحیح ترتیبی در کار آنها داده شود و آنها را بوضع خوشی روانه شوشتر بیاورند)

چون ملاحظه شد که از این راه هم نگرانت از در دیگر پیش آمده به سردار ارفع نوشتند که حکم از اولیای امور صادر شده است که نایب الحکومه شما را از شوشتر بیرون کنیم ، سردار در این خصوص نیز در نهایت آوایی و سکون جواب داد من سر خود نایب الحکومه در شوشتر نفرستاده ام سال گذشته بواسطه نزاع داخلی شهر روزی نیمی گذشت مگر آنکه جمعی مسلمان بدون هیچ تقصیر و گناه مقتول و مجروح میشدند ، از این گذشته مبلغ کنیری مالالتجاره مردم چه تلف شده وجه در مرض انف بود هر چند خود اهالی شوشتر درخواست و اجزاء نمودند که نایب الحکومه برای انتظام و اصلاح امور مردم شوشتر بفرستیم قبول نکرده و اجابت نمودم ، این بود که خطوط متدوده چه از طهران از وزارت داخله و غیره و چه از نجف اشرف از حضرات حجج اسلام به محرمه رسیده و جداً با سرعت و جوی اصلاح امر شوشتر را از من خواستگار شدند . دیگر بند از این خطوط و تلگرافات اجابت نکردن امر خلاف عوام انسانیت و مسلمانان بود ، این شد که ملا عبدالسید را برای اصلاح و انتظام شوشتر فرستادم و در اندک زمانی چنان نظمی داد که اسباب حیرت و عبرت عموم مردم گردید ، چنانچه خود اهالی شوشتر بدو اطلاع من نجف اشرف و طهران تلگرافات رضا مندی از وضع شوشتر نمودند و درخواست ادامه ملا عبدالسید را در شوشتر کردند

حالا هم هیچ نشده است مقصود من توسعه اداره بوده و بست چنانچه ناسخ آن تلگرافات را ارائه بدهید فوراً ملا عبدالسید را بمحرمه احضار میکنم و الا بنیر از این صورت محال است که ملا عبدالسید را احضار بکنیم مگر این که حکومت بطرفی از مرکز حرکت نماید ، وفق که شوشتر رسیده و رشته نظم را بکف خود گرفت آنوقت ملا عبدالسید را خودم با اختیار احضار میکنم

حاصل آنکه بعد از این سئوال و جواب حضرت بختیاری بحسب ظاهر دنباله مطلب را قطع کرده تا اینکه از دزفول حرکت نمودند ، حاجی

شیخ مرتضی و باقر خان بعد از آنکه از اصلاح کار خود مایوس شدند بحضرات بختیاری حالی کردند که به این وضعها سردار ارفع شوشتر را از دست نمیدهد باید با همین اردو بطرف شوشتر رفت و بقوه قهریه شوشتر را تصرف نمود و نایب الحکومه سردار را بیرون کرد و الا با این وضع کنونی دیگر بندها بستگان شما نمی توانند در صحنه عربستان بمانند ، تصرف کردن شوشتر برای ما از يك آب خوردن آسان تر است ، حضرات بختیاری جوش طمع در بین بود این حرفهای بی معنی بخرجشان رفت هم شبانه باقر خان با جمعی الوار با کلک از آب عبور نموده داخل محله خود شد و قیامت اعمامش که آقا جواد کلانتر و دیگران باشند شنیدند که باقرخان بن دهنه خیال فتنه بزرگی را دارد او را نصیحت و ملاحظه نمودند و ضمانت از این حرکات وحشیانه کردند ابا بخرج رفت بعد از آنکه آقا جواد مایوس شد ، در هفت شب فرار نموده بدزفول آمد از این طرف باقر خان دید که دیگر رادع و مانی ندارد بسای شرارت را گذاشت ، صبح روز ورود اول کبری که کرد با جمعی الوار و اتباع خود ریختند در میان تلگرافخانه میرزا هادی خن سر هندک را گرفته این قدر زدند که سر و مغز او را خورد نموده بنوعی که خیلی مشکل است سلامت ماند با بدن مجروح دست های او را بسته بدست جماعت الوار داد که بار دو ببرند بعد از فراغت از کشتن گاری سر هندک اساسه تلگراف خانه و هر قطعه اسباب دست چندین لر رسیده حتی عیال و زن او را نیز اسیر کرده بردند دستگاه تلگراف را با میز یاره یاره نموده بطوری که قابل اصلاح نیست از این کار فراغت حاصل نموده آن وقت حضرات بختیاری را کاملاً از آب عبور داده داخل قلعه نمود ، حاجی شیخ مرتضی نیز بمنزل خود رفت ملا عبدالسید از جمله این حرکات متحیرانه ایستاده تماشای نمود ، چون که از سردار ارفع دستور العملی در این خصوص در دست داشت که چه نوع رفتار کند ، مردم شهر هم لا تکلیف محض بودند این بود که باوجود این حرکات وحشیانه ابا آوازی از جانی بلند نشد بواسطه نبودن تلگراف

تنگرانی ، ملا عبدالسید نمی توانست که تکلیف خود را معین کند ، یکروز دیگر هم انتظار کشید بعد از آنکه دستور العملی از برای او نیامد بدون هیچ مقدمه از قلعه حرکت نموده به طرف ناصری رفت حضرات بختیاری بعد از حرکت ملا عبدالسید تبار شوشتری را احضار نموده عنوان نمودند که مبلغ دو هزار تومان بعنوان قرض تا مدت شش ماه برای مخارج اردو لازم است ، جماعت تبار هرچه خواستند تفره بزنند و خود را رها بکنند ممکن نشد ، عاقبت الامر در همان مجلس مبلغ یک هزار تومان گرفتند بعد از آن روز نیز همه روزه یکی دو نفر از تبار را بعنوان مخالفه جبراً و قهرآً بقلعه میبردند و بقدر قوه و استطاعت ایشان مبلغی از آنها گرفته مرخص می نمودند بعضی از تبار بدبخت که وضع را این نوع دیده فرار کرده و از آب عبور نموده که بطرف دزفول بیایند حضرات بختیاری بر قصد آنها مطلع شده مأمور مخصوص فرستاده آنها را بوضع خیلی بدی عودت داده و جریمه آنها را مضاعف قرار دادند

حاصل آنکه این مردم بقدر شنش با همت روز بیشتر در شوشتر توقف نه نموده در این زمان قلیل مبلغ هشت هزار تومان بلکه زیاد تر بدون هیچ عنوانی مردم فقیر بیچاره شوشتر را جرم نموده ، از آن جمله آقا زمان نام را که از جمله عمال شوشتر میباشد گرفته در مدت دو سه یوم با هزاران شکنجه و عذاب مبلغ یک هزار تومان او را جریمه نموده ، و تصیری که بر او وارد آوردند این بود که تو از جمله بستگان مخصوص سردار ارفع میباشی ، بعد ازین جرم گزاف باز او را مرخص نموده همراه خود مفلولا او را بردند بطرف رام هرمز ، یک روز جمعی سوار با خود حضرات خوانین و یک عراده توپ از قلعه بیرون آمده بودند طرف بقعه امام زاده عبدالله که از جمله بقاع متبرکه مشهوره است که در آن جا جمعی از سواران عرب که مستحفظ و قره سواران رام بودند آنجا را بواسطه نزدیکی بشهر مرکز خود قرار داده بودند و ابداً از جا اطلاع نداشتند و بر آنها ناختم آنها هم لابداً در مقام دفاع بر آمدند و پشت بام را سنگر

خود قرار داده حضرات بختیاری بعد از آنکه قدری با تفنگ شلیک نموده کاری از پیششان نرفت این دفعه بنا کردند با توپ شلیک بآنها نموده بقدر نصف بقعه را با گلوله توپ خراب نموده پنج شش نفر را نیز کشته مابقی از خوف جان قرار نمودند حاصل آنکه این مردم بقدری يك ماه بیشتر در دزفول و شوشتر توقف نداشتند چنان آتشی روشن کرده اند که بدین زودی مشکل است خاموش بشود ، بواسطه اینکه طایفه و کسان این چند نفر عرب که در بقعه امام زاده عبدالله بدست جماعت بختیاری کشته شده اند در این موقع که محصول شتوی که قوت عمومی است همه روزه می آیند در اذراف املاک بختیاری که در دزفول میباشد برای مطالبه خونت مقولین خود ، مردم بیچاره بحرا نشین معلوم است که قوه و قدرت مقاومت با اعراب ندارند ، لابداً زراعت خود را گذاشته کار و الاغ و عیال و اطفال خود را بر داشته بشهر می گریزند باز اگر تلافی سردار ارفع بکنند ازین پنا گری و انتشان ، اگرچه جماعت بختیاری هم ضرر و خساره وارد می آید ولی در این بین جمعی رعیت بی گناه بی نصیب بالکل از دست میروند فعلاً سردار ارفع مأمور مخصوص فرستاده رعیت را اطمینان داده مراجعت بمنازل خود داده مشغول جمع آوری محصول شتوی میباشد اما خود جماعت بختیاری شبانه در نهایت تعجیل و بدون مقدمه از شوشتر حرکت نموده رفتند سبب رفتن آنها هم این شد که اهالی شوشتر و دزفول شکایت از وضع سلوک و تعدیات ایشان بطهران به سردار ارفع نمودند و حضرات علای اعلام عربستان نیز دفع ابشاش و از درخواست نمودند سردار ارفع هم اجابت مسئول ایشان را نمود جمعیت کتیری قشون جمع آوریه کرده و خودشان هم از محرمه بناصری معجلاً آمدند قشون عرب در خیال حرکت بود که این اخبار به گوش جماعت بختیاری رسید این بود که دیگر صلاح در توقف و درنگ ندیده شبانه حرکت نمودند چنان رفتند که گردشان به پیداست جماعت بختیاری نوعاً مشروطه خواه و ایران

از نقاط مناسب دوریا توقف نمایند که انشاء الله بعد دو ماه در محل قلمرو حکومتی خود نایب‌الحکومتی مناسبی جریه شما معین میشود (۲۴ جادی الاخر در بندر عباس داده شد و تصفیه کار مصباح دیوان باین ترتیب شد

اما مذاکره تجار با اداره کرک هم دیروز که ۲۶ جادی الاخر بود مجلسی مذمذمه و عده از تجار حاضر نموده و مدیر کرک نیز حاضر شد فی الجمله مذاکره کرده بین تجار و مدیر کرک نیز اصلاح فرموده و نصیحت آنچه لازم توصیه نامه بمجموع تجار و اهالی در وطن خواری و اتحاد با دوایر دولتی نموده نیز آنچه لازم توصیه احترام تجار و حسن سلوک اجزاء کرک با تجار مدیر کرک نموده در این حال امثال دبستان جاوید با معلمین وارد شده اجازه دخول و جلوس داده احوال برسی و مهربانی زیاد نسبت با ایشان مرعی داشتند ، یکی از اطفال خطابه تبریک ورود با کمال فصاحت و آهستگی قرائت و بدنا ختم نمود ، سپس از درسهای اطفال جوینا شدند بیان شد اظهار همراهی با این دبستان فرموده مبلغ ۵۰ تومان از جیب قنوت اعانه جهت مخارج لازمه دبستان مرحمت و اطفال را مرخص فرمودند

اما در این مورد حقیقت مطلب را عرض نمایم که از حسن نیت و کار دانی آقای موقرالدوله عموم االی عباسی متشکر و رضامند گردیده اسباب امیدواری شان از دولت گردید که ایحق آنچه وظیفه حکومت بود در قبول نکردن خواهشات بی قانون قونسل همسایه و جلوگیری از نفوذ ایشان و محافظت شرف دولت ما به امیدواری عموم گردید که ورد زبان اهالی این است با وجودیکه مطلب ما برآورده نشد که مقصود شان حکومت مصباح دیوان باشد اما از اقدامات آقای موقرالدوله در اینکه بوظیفه خود عمل نمود و نگذاشت بر نفوذ خارجه افزوده شود کمال امتنان و تشکر داریم و طایه امیدواری مان گردیده که هنوز در دولت ایران رجالی هستند که جلوگیری از نفوذ خارجه نمایند و الا اگر قونسل همسایه این امر را پیشرفت کرده بود اهالی بنادر قطاً از دولت خود مایوس بودند و بعکس کنون قاطبناً مایوسی از همسایه ندارند

مدار هستند و ضوطی وار دم از اتحاد و اتفاق و حب نوع و وطن خواهی میزنند ، واقعاً بحال فلاکت اشتغال اهالی ایران باید گریست که این ها را پیشرو و قاید سعادت و ترقی خود میدانند و میخواهند بتوسط این مردم با این صفات نظم مملکت را بدهند ،

محمد مهدی دزفولی

بندر عباس

چند یوم قبل مذاکره تشریف فرمائی جناب موقرالدوله حکمران بنادر به عباسی بود و نیز گفتگوی آمدن کرنل کاکس جنرال قونسل دولت فزیمه انگلیس بود چنانچه به تاریخ ۲۰ شهر جادی الاخر وارد شد و ۲۲ شهر مذکور نیز آقای موقرالدوله با جہاز مظفری ایران تشریف فرما شدند . یوم اول از جہاز پیاده نشده جنرال قونسل در جہاز دیدن نمود و کذا مصباح دیوان هم رفت در جہاز شرفیابی حاصل کرد و حضرت معظم له نصیحتاً بعضی مطالب بمشار الیه فرمودند یوم بعد هیئتی از تجار رفتند در جہاز شرفیابی حاصل نمودند یوم ۲۴ شهر حری تشریف فرمای شهر شده تمام تجار و اعیان و معروفین شرفیابی حاصل نموده اظهار تبریک ورود نمودند حضرت معظم له با همگی کمال رافت و مهربانی اظهار از وضع عباسی و حالات سؤال و استفسار از دبستان جاوید و معلمین نمود

اما در فقره نظایات اهالی و تجار و تحصن مصباح دیوان پس از مذاکرات لازمه با جنرال قونسل انگلیس و قونسل مقیم عباسی بالاخره مقصود ایشان که مجدد نصب مصباح دیوان بود بعمل نیامده و قبول نکرد که امروز امکان پذیر نیست و اسباب هتک شرف و عزت دولت می باشد ، صلاح این است که فعلاً مسافرت بکراچی و چندی توقف کند بد از آن مامورین بآب خواهم داد و به این ترتیب کاتباً گویا به جنرال قونسل مرقوم داشته اند و نیز خلی مصباح دیوان نوشته بودند که ملاحظه شده قریب با مضمون (جناب مصباح دیوان جناب بربروز شاها بنا گفتیم اگر قبول آمدن بوشهر نموده بودید فوراً ریاست عدلیه سپرده شما می کردم کنون هم موافقاً در یکی

اعلان دفاع مقدس شیخ سنوسی

از بنده کزین آفریننده راستی احد ابن السید محمد الشریف ابن السید محمد ابن علی السنوسی المظاہر الحنفی الادریسی . همه برادران ما که دچار تعرض ناگهانی ابطالاینها شده اند

صد هزار درود و ستایش بفرستاده مکرم که شمشیرهای برنده اش موقع بلند و محترم بسلام اسلامیت احضار نموده است . و هزاران سلام به مجاهدین اسلام که به نص جلیل آیه مبارکه (قاتلو ... الخ تبیت نموده و بعهده و پیمان خود شان در حضور حضرت حق سبحانه و تعالی صادق مانده و با لذت روحانی شهادت پیهوش شده و خواسته اند که هرچه زودتر به نعمت جنت نائل بشوند . . .

ای فرزندان دلاور اسلامیت بدانید که حضرت حق بموجب امر (ان الله اشتری ... الخ بهشت را به مومنین که با صنوت قلب و وجدان باک بخودش مربوط و نزدیک شده اند فروخته و در مقابل اش نفس و اموال آن خریده است . اینک روز همان بیع مقدس رسید . دفاع بکنید . در عوض جان و مال خود مان کاخهای بلند جنهای فرخزا در حیات ابدی اشرا نماید و شما همه وقت در این داد و ستاد محض لطف عالی و ازلی خداست سودمند هستید .

به این امر جلیل برستیده مهربان که ارزاق سرمدی بهشت را به بنده کان ستوده خیلی اوزان میفروشد تبیت نماید .

به پیتید حضرت کردگار میفرماید که آیا میخواهید راه بجای بشا نشان بدهم که آن تجارت شارا از شکنجه های میان ناره دوزخ و عذابهای برهاند پس بخدا و رسولش ایمان آورده با مال و جان خود تان دفاع نماید خداوند عالم هم گناهای شارا بخشیده وهم یک سعادت سرمدی در سواحل نهرهای تراه دار و در سایه زمردین باغچه صلی دریا سراپسلی قشنگ تفاوت نموده و علاوه برین جوف شای فرزند آدم و مغلوب شهرت و دبدبه و حشمت هستید لذا من بشا مظفرینهای مشتمع خواهم بخشید :

ما با از شکنجه های که کسان نرسیده و از جنگ

فراریده گرفتار خواهند شد فراموش کرده باشید چرا در راه جنگ از بخشیدن مال و جان خود تا ترا عقب میکشید ؟ آیا سعادت ابدی را میخواهید فدای این زندگی دروغی و دوروزه نماید ؟ اما این را بدانید که شهوات و لذائذ و سعادت و طمأننه و دبدبه و ذوق و ضرور و همه آن ها جز از يك گرده مطلا نبوده و مرگ . همه این ها مانند طوفان با نفعات شدید خود براگنده و نابود میکنند آن گاه باعربانی و زشتی عدم اناعت که بحضور آبی میآید برای شما چه فائده حاصل خواهد شد و اینرا هم دانسته باشید اگر بقصد مدافعه شرف اسلامیت و اعتلای او جنگ نکرده باشید زیان خواهید برد . خداوند عالم هستی ساخته شارا که شاره ضرور کرده و کول میزند محو نموده و بجای شما و وحدین فداکار و جسور میگذارد . آن وقت شما هم در میان ناره بی امان و جانسوز و تاب شکن مانده و خائب و خاسر و محروم سعادت میباید . . .

محدود بودن اجل را فراموش نکنید کسب کسبه محض برای مردن و شهید شدن خود را دلیرانه بدسته های دشمن میزند البته نمیبرد . . . و قلعه ها و کاشانه ها و سراپاها و آشیانه ها نیز مانع دخول ملائکه قابض الارواح نمیتوانند بشوند . ضربه اصابت خطا نمیکند و ضربه خالی هم ابدأ اصابت نمی نماید . آه چه نیک بختی ؟ با دشمن گرقتن و مردن ؟ به . شهادت . پیشانی باک مومنین و منتهای آرزو و غایه سعادت آنهاست . شهادت . برستیده روان و سعادت ابدی و پایان بلند پایه کی است . شهادت . در وقت آمدن بحضور الهی واسطه باکی جبین است . چه اندازه نیک بخت هستند آنانکه برای تکامداری سلطوت مقام خلافت دفاع نموده و خودشانرا بسمت آن مرگ با شرف می اندازند . آنان دلاوران هستند که زبونی و ذلت و جان کنی را در زیر خنجر زهرناک صلیب دین نمیخواهند آنان دلیران غیوری و نجیبی هستند که ابدأ راضی نمیشوند زنان با عصمت آنها در آغوش دشمنان بماند .

ای مجاهدین ! بهشت در زیر صدقات تیغهاست . شهید نه میبرد بلکه ابدیاً با نام نیک و شرف خود در جنت با سعادت عطا میزند . شهادت . به اندازه نوازش روان برستیده یک لرزش لذیذ می بخشد و

رایحه لطیفه و نوشین حنت او را بهوش و سرمست
میگذارد و قتیکه به تقای خدامیرسد در میان فرشتگان
سزید بر و دلریا حوربان نفیس و دلبر را که آدم
را مجلوب میکند می بیند و با همان حالت مسعود
و منور بحضور الهی میرود چنانکه انس این نفر
که یکی از صحابه گزین بود و قتیکه در جنگ احد
دشمن را با حملات شیرانه مقهور میکرد (اینک نسیم
جانزای بهشت در زیر احد می وزد) این بگفت
و خود را بدسته های دشمن زده و شهید شد .

ای مسلمین کثرت دشمن و تخریبات اسلحه و
و وحشت نایش آنها عزم شما را بتزلزل نیندزد.
ایمان . . . آن قوت عالی و الهی که در هر طرفی
مدد های معنوی و مظفرینهای حقیقی موجود است
شما نمیتوانید آنها را به پیید هر قدریکه آن قوت
رفیق شهاست هربا غالب و منصور هستید . در زیر
پای آن قوت اردو های بی شمار دشمن زبون . . .
و صدمات و هجوم آنها که بنظر شما سخت میآید
منکسر . . . آن صد هزاران انسان را که مردمی بیند
یک کاه زن ضعیف میباشند خداوند عالم بکسایکه در
راه خودش میجنگد نصرت و ثبات و بدشمنهایش
انزام و عات فرموده است .

زهار صد هزار بار زهار پشت بدشمن نگردانید
در جنگ مغلوب ملال نباشید ، ضعف قلب امرای
و سرآمد انسان اصلا بشما سرایت نکند . . . بله ،
سرخود بجنگید اگر آنها ترسیده و نه جنگند شما
تبعیت بر ایشان نکنید آرزو و مقصود و غایه امل
و معشوق شما دفاع باشد . اگر فرماندها بشما
بترسند و فرار بکنند شما در صولت و هجوم بایدار
شده از سرنو حمله بکنید اگر آسرو رابس شما
کشته بشود شما اصلا ترسید تلاش نکنید . دفاع . . .
دفاع . دائما دفاع نمائید . چنانکه همه وقت صحابه
گزین علم را از علمدار شهید گرفته و بصوف
دشمن حمله برده و نائل سعادت شده اند .

مبادا کم بودن شماره شما را بنرساند باید هر یک
از شما مانند شیر زبان مبارزه نموده . توفیق
غالبیت از خدا بخواند خداوند عالم همواره فداکاران
و راستگویانرا بیشتر از پیش بدشمنان منصور میدارد ،
در زمان حضرت رسالتناه بکثرت از صحابه کرام
خود را بدسته های هزاران دشمن زده و چند نفر

کشته و برگشته و دوباره حمله برده است که ابی هریره
بعد ازین وقعه نازل شدن آیه مبارکه (ومن الناس
الرجل) را بیان نموده و گفت که شخص باید بمحض
تحصیل رضای باری بیکه و تنها بدشمن هجوم برده و
تترسد . در زمان حضرت عمر بکثرت مجاهد بچند
هزار دشمن حمله برده و شهید شده است اگرچه
بعض علما گفته اند که این شخص خود را به تهلکه
انداخته است حضرت عمر رضی الله عنه هم در جواب
آنها آیه مبارکه (ومن الناس . . .) را قرائت
نموده است .

برخی از شما امر جلیل (لا تکلف . . .)
را در صورت اشتباه فهمیده اید بی راست است که
خداوند عالم تکلیفی که ما فوق تحمل باشد به انسان
نمیزراند اما این مسئله برای نفقه و معیشت بوده و
هیچ گاه دخل بعالم جنگ نیست ، دشمن هر قدر
پیشتر باشد باز شما با آب عنده کم هجوم برده و
حملات خود تا او تمهید نمائید شاید از تجارت و
سودش گول خورده در پشت سر گوها مشغول
باشت کارها بوده باشید حضرت حق سبحانه و تعالی بسر
شما خشم میباراند که آنکاه بچاره شما ها هنوز در
زیر آن کابوس طاقت سوز حقارت ابدی به دین
خودتان عودت نکرده و بطرف دفاع برنگشته نمیتوانید
دشمن را تا ر مار نمائید ، ترك دفاع خروج از
ایمانت یعنی محروم از اسلامیت و ایانهم برای تعرض
جنگ است ، و حال آنکه اکنون خود شما بتعرض
دشمن گرفتار شده اید مجبور هستید که خود و
قبیله و زنان و وطن و کشور و پادشاه و خلیفه
خودتان را مدافعه نمائید ، در حکم امریز کسیکه
از مقاتله دوری میکند معادالله به دشمن مبل کرده
و بنسائه این است که برادران دینی خود را با
دست خودش خنه کرده است ، حضرت پیغمبر
فرموده است کسیکه یکبار دفاع بکند همه عبادات
خود را بحضرت اقدس سبحانه و تعالی ایفا نموده
است لذا اصحاب کرام از آن حضرت برسیدند ،
یا رسول الله کیست آن مومن که دفاع نه نماید و
آیا میشود همچین آدم را تصور کرد ؟ حضرت
فخر کائنات در جواب فرمودند که آب شخص
ملعون است که بخشم خدا گرفتار است ، برخی
اقوام در آخر زمان خواهند رسید که از جنگ

ترسیده و به حرب اشتراك نخواهند كرد خداوند عالم برای آن قوم عقوبات الیمی که هیچکس دچار نشده و نیران مدتش و آتشهای در طاسوز در جهنم حاضر نموده است

کسیکه با دشمن کشتی نگیرد و با صدمات مردانه خودش صوف دشمن را رخنه نیندازد و این صنجات لذیذ دفاع را با حسرت قلب تصور نه باید متافق است وقتیکه از حضرت پیغمبر میپرسیدند ، افضل انساها و مرجح آنها کیستند ، در جواب میفرمودند کسیکه با جان و مال دفاع میکنند ، يك مرتبه زد و خورد با دشمن بهتر از هزار مرتبه زیارت مرقد و نور رسالت بنامی است ، یکساعت در زمان جنگ نخواهید هتاد مرتبه از انضای فرایض حج اولی تر است .

ای مومنین ، اصحاب کرام بحضرت پیغمبر عرض و سوال کردند ، چه چیز است که خدا را مسرور کرده و میبخشداند ؟ فرمودند با يك صوت مهیب و مدعتی بروی دشمن هجوم بردن و آنرا باره باره کردن و دستها را با خون او خضاب نمودن است موقع بلند و معظم مدافع در آسمان در نزد خدا به اندازه بزرگ است که عالمها و زمعاد که سالها سال عبادت کرده اند در جلو او با کمال احرام سر فرو خواهند شد مجاهدین بندگت و قهرمانان محبوب خدا هستند .

ای عباد الله ، جان و ناموس خود تان را از دشمنان برهائید ناسبه های نجیب و يك خود تانرا از عسار عار و ذلت و حقارت شست و شو کنید نواصی را با خوف دشمن بشوید مال و جان خود تانرا فدا کنید باره تا مناسبهائی که در میان دارید فراموش نمائید یکدیگر را در آغوش کرده بیوسید در جلو دشمن يك سد آهنین توانا و مهیب و معظم دوست کنید ، من شما را با ظفر و نصرت مزده میدهم ، زهار ، زهار ، تا اینکه دشمن را بالانعام در زیر پای اسبان خود تان پایمال نکرده و میدان را با خون دشمن دریا نه نموده و آنها را بالکلبه ذلیل و حقیر و اسیر نداشته یکنایه نفس نکشیده و آسوده نباشید ، جنگ ، جنگ ، هر وقت جنگ بکنید ، دسته های آنها را بشکنید ، توانائی آنها را برهائید ، اردو هایشانرا

گرفتار قهقرا بکنید زنده هایشان را گرفته اسیر نمائید ، اینك فرصت همین فرصت است که آنها بشا جزیه خواهند داد ، من هم خودم با همه مدافین صحرا میآیم ، اگر تا کنون آمدنم دیر شد بسبب حمل سلاح و نوب وجبه خانه شده است اما من میخواهم که آمده لوای اسلامیت را با دست شما بلند و محترم و مغرور و متوج و دشمن را ناله دار و میدان جنگ را با صدای گله طیبه توحید طنین انداز به بنم -

(انمقدس من النور القدوسی)

(احمد ابن السید محمد الشریف السنوسی)

مرجم آسف

زنده باش ای بيك درخشان و منخرت اسلامیت

روز نامه اقدام مینویسد

در خصوص تجدید حدود ایران و عثمانی کیسون طرفین دیروز مختلطاً مناقده شده و مذاکره نموده اند ، از قراریکه آنگهی رسانیدیم فرستادگان ایران استاد یکدیگریکه باخود شان آورده و ادعای وثیقه بودنش را دارند نموده و اصرار دارند که بموجب همان دفتر تجدید حدود بشود ، اگر چه مرخصین عثمانی نقشه های مصدق ابراز کرده و مواقع که از طرف کیسون ایران عاید بحکومت ایران بودنشان ادعا میشود در داخل اراضی عثمانی بودن آنها را ثابت کرده اند ، معیناً مرخصین ایران قانع نگشته و بناء علیه نقطه نظر اختلاف در میان حاصل شده است ،

حدودیکه از طرف مرخصین حکومت عثمانی باشارات و دلایل خریطه - نقشه - مذکور ابراز شده بموجب عهد نامه ایست که از طرف درویش پاشا منعقد و با نام معاهده ارضروم معروف است بوده و علاوه براین با معاهدات سابق هم تائید شده ، مرخصین ایران حقگذاری نکرده و در ادعای خودشان اصرار دارند و بدین سبب مذاکرات یکشمکس افتاده ، دیروز سفیر ایران حضرت احتشام السلطانه بیابالی آمده مدعی باوزیر خارجه درحق این مسئله ملاقات کرده و پس داخل کیسون شده است ، و بمناسبت اهمیت مسئله طاصم بيك افندی وزیر خارجه هم اندکی در کیسون مذکور حاضر شده اند ، و هر قدریکه مرخصین حکومت عثمانی در

هنگام مذاکره ها کمال اثنالاف و حسن نیت ابراز نموده و منظور شان این است که بحدوث مشکلات راه ندهند معینا از روش احوال مع التاسف احتمال دارد که مذاکرات دو چیز انقطاع بشود

از روزنامه (شرق قریب) ❖

شاه مخلوع چه میکند ❖

شاه مخلوع که به ادبیه بر کشفه نا گوشه نشینی زندگی میکند در چهره اش نشانی خرمی و آثار حضور ندارد. از زندگی و زندگانی خودش بشوهر آمده و به جهات خشم کرده است و معلوم است که دیگر روسها را دوست نمیدارد و از آن ها خوشدلی ندارد.

محمد علی در سفر سعادت به ادبیه بسیار شاد و خورم بود. برخی گاه کاوخانه هارا دید کرده و بعضی اوقات در داخل شهر با او توموبیل و درشکه ترمه و فرج مینمود. آن محمد علی که در روی اسبهای فشنگ و پراقهای دلربا در کوچه های شهر بیگشت اکبوت یک ستاره نارینگ افول کرده میباید چهره مشار ابیه را علامت مانم و بد بختی فرا گرفته است. آن شاهیکه تا نصف شبها در تماشه خانه ها و در اسب دوا سها گاه خود را میکندرا بد اکبوت یک درز حیات سکوتی را نتایب مینماید. حتی میخواهد کخ خودشرا هم تبدیل کند

خلاصه کلام شاه سابق از روسیه دلتاک شده و میخواهد هرچه زود تر باندن برود لهذا به انجا آدم خودرا فرستاده که برای خودش جایگاهی درست نماید. همه اینها شاه مخلوع با طرفداران خودش که در ایرانند متصل بخبره نموده و به آنها دستور التعلل داده و حوادث میکرد

از سوء قصد های مشهور ❖

(نسبت به عبدالحمید)

(۹)

در شکه چی است. در داخا وله می نشیند به حضرت پاشا اسپرو در شکه چی را میشناسم در سمت (آغا جامی) دوشکه چیکری مینماید آیا امروزها با خودش داد و ستادی کردی؟ به دو ماه قبل با اتفاق یکنفر ارمی به (قاضی کوی) آمده و به من گفتند که ما میخواهیم

یکجنت اسب برای درشکه بخریم منم جوون شینده بودم که حسن افندی تبارچی اسب فروش دارد لذا همراه ایشان پیش حسن افندی رفیم اسهارا دیدند باز فردایش با یکنفر فرنگ آمده درشکه به چهل و شش لیره خریده و مبلغ مزبور ایره فرانسه دادند. بموجب قرارداد هیئت تحقیقه غاروس افندی نام صاحب طویله مقیم شیشلی را بسرائی جاب و فردایش در حضور هیئت حاضر نمودند غاروس افندی. چندی قبل یکی از طویله های خودتان را در شیشلی یکسان نا شناخته کرایه داده بودید اکنون آنها در کجا هستند؟

دوماه مابین گذشته یکنفر درشکه چی مفرویح نام طویله مرا برای شش ماه اجاره نمود بچند مامله کردید؟

ماهی یکصد و پنجاه غروش سه ماه هم پیشکی دادند آیا غیر از مفرویح کس دیگر را میشناسید؟ من خیلی از مردم میشناسم. ازین سؤال مقصود مان چیست؟

مقصود من این است که در درشکه مذکور بسی اوقات کی می نشست؟ مفرویح که خودش درشکه چی بود آیا کیهارا بدرشکه می نشاند؟

حضرت پاشا اندکی لعطف فرماید! همه چیزرا یک یک بشما خواهم گفتم. وقتیکه مفرویح مبلغ ۳۵۰ غروش وجه کرایه سه ماهه را داد سند مقاوله هم در میان ما تقاطی شد. بنده هم برای تبدیل هوا بیوک دره رفتنی بودم لذا وجه کرایه آن سه ماه آینه دیگه را سپردم یکی از خویشاں مادام (آغا و آنی) کار سازی نمایند. بعد از یکماه و نیم دیگر بطویله رفتم که دوباره مشارالیها را بمفرویح سفارش بدم دیدم در آن جا کس دیگر هست مفرویح را پرسیدم در جواب گفت که بخدمت یکی از اهالی آوسنیا داخل شده است. اینک همه ادلعات من. مفرویح هیچ در طویله نه نشست و همه وقت در نزدیکی یک قهوه خانه کوچک وقت و در آن جا با اشخاص مجهول الاحوال ملاقات میکرد صاحب قهوه خانه کجست؟

بنیسا پسر مارقاز بموجب اسر نجیب ماحمه غاروس افندی توقیف و بنیفا پسر مارقاز از ششلی احضار شد

نه ، پروابط اومنی است در خاصکویه دو
(خالیچی اوغلی) مینشست . واسم مادرش هم بروز
است . بعد یغیا توقیف شده مادر پروابط بحضور
هیئت حاضر شد

او . . . ای زنکه سرا می بینی و میشناسی ؟
بگو به بیم بستر کجاست زن بچاره با یک آواز
لرز دار

حضرت پاشا مهم اورا میجویم

چند سال دارد و با چه مشغول بود
زردیک به بستر بود و خودش آهنگر
در کجا کار میکرد ؟

در (اون قبلی) دکان حاجی مهران

امروزه ها نیز آهنگری میکرد یا نه ؟

خیر . . . سه ماه بود که آهنگری ترک نمود دو

شیشلی خدمت بکنفر آلمان داخل شده و ماهی ۲۰۰

سروش مقرر میگردت

آیا تو آن آلمانرا میشناسی ؟

از کجا میشناسم روینرا هم ندیدم

آیا پروابط زن دارد ؟

خیر نامزد دارد

قبل از حادثه بومب آیا بستر گفت که برای

تبدیل هوا به بیوکدره خواهم رفت ؟

نه ، حضرت پاشا نگت و آنکمی از روزبکا

داخل خدمت آلمان شده بود فقط بکمتره روینرا

دیدم و بعد از واقعه بومب دیگر درمیدان نیست

خیلی خوب پس تو بستر را نه برسدی ولم

بیاش نکشتی ؟

خیلی از بیاش کستم و سراغ نمودم و حق

بخانه آلمانم رفته دیدم او هم پیدا نیست . از یاهایتلا

میجویم حضرت پاشا . اگر جای بستم را شا میدانی

بگویند و اگر در اینجاست یکبار روینرا به من

نشان بدهید ،

بعد بروز به زندان انداخته شده و نامز

پروابط در حضور هیئت حاضر شد

دختر من بگو به بیم چطور شد که با پروابط

نامزد شدی ؟

مادر پروابط در (بدی قله) در مرصخانه اوانا

میخواهد مهم در آنجا خدمتگار بودم مرا بستاند

یغیا ، تو بیک آدم آرومند میشانی ، بگو به
بیم آیا غیر از مفروج که طویله غازاروس افندی
را ایجار کرده بود کسان دیگر هم به طویله میامند
حضرت پاشا ، آن طویله در جای تنها واقع
شده روزانه تنها ۲۰ و ۳۰ نفر از آن جا مرور
میکردند . من در آنجا تنها خاجمیک نام سواسی و
پروابط خاصکوی را دیدیم که اکثریه بقره خانه
من می آمدند .

نجیب ملحه با یکچهره ترسناک و تند گشت

چرا راستی را پنهان میداری . مگر در آنجا

کسان دیگر ملاقا نشدی ؟

حضرت پاشا معذورم داشته و به بختید یک ماه

قبل از وقوعات ،

کدام وقوعات ؟

این واقعه معلوم . . .

خیلی خوب فهمیدم بگو

ورزی غیر از مفروج و پروابط هم آدم دیگر آمد

آن آدم کی بود ؟

در ۲۵ سال و وسط قد و زرد سیل بوده

و بقول مفروج خودش بکنفر درشکچی بود که

از وین آمده بود .

تو آن مردکه را در جای دیگر هم دیدی ؟

بلی چند روز دیدم که سوار درشکه قاشوققدار

که مفروج اداره میکرد شده (به کانه خانه) و

(کلوه گاه چندره) و (بیوکدره) میرفت

پروابط بیطر . به بقره خانه تو میامد ؟

بله ، میامد

چند روز است که خودشرا ندیده ؟

هفت روز همه بقره خانه آمده با یکدیگر

بوداع نمودیم

کجا میخواست برود آیا چیزی بشا نگفت ؟

بلی . گفت که به ده خواهم رفت

البته تو میدانی که مشارالیه در کدام سمت می

نشست و پدرش کی بود و با چه کساف سراوده

داشت - بله ؟

حضرت پاشا من با او انسیتی نداشته و فقط

میدانستم که در (خاصکوی) مینشست ،

چه ؟ خاصکوی گفتی ؟ مگر پروابط موسوی

است ؟

و تکلیف ازدواج یا پروابط کرده من آن جوانرا دیده و شنیده و نامزد شدم

آیا تو هر وقت با نامزد خودت ملاقات داری حالا در کجاست ؟

مشارایه دو روز در هفته برای دید مادرش به مریضخانه میآمد بعد از آن دیگر رویشرا ندیدم آیا میتوانی به یاد بساوری چند وقت است خودش را ندیده ؟

پس از حادثه یلدرز پیدا نیست

از فراریکه ما شنیده ایم تو نامزد خودترا نگاه داشته بگو به منم حالا در کجاست

چطور من میتوانم نگاه بدارم که قانون مریضخانه هم مساعد این حال نیست . بد از آب باجناق پروابط بحضور هیئت تحقیقه حاضر شد و نجیب ملحمه بمشارایه خطاب کرد

چند روز قبل از (وارنه) مکتوبی باسم شما آمده آیا راست است ؟

به ، حضرت پاشا یکقطعه برات مشتمل بر سه ایه باسم مادر پروابط در لف باکت پروابط بنام شده آمده و من قبول نکردم

چرا قبول نکردی . مگر از پروابطشبه میکردی ؟ میدانستم که از طرف اداره نظریه اورا میجویند غلام پست آیا چیزی پشما نگفت ؟

به ، از من امضا خواست که برات را قبول کردم و هاروز من به قرادالحانه حسن پاشا رفته و در باب اطلاع داده بودم ،

کاشیکه پروابط بادر خودش فرستاده بود بمناسبت اینکه بطرف اطلاع و یکمرتبه از اسلامبول خارج شده بود از مادرش معذرت خواسته و قول داده بود بد از آنکه ابورات خودشرا انعام داد مادر و نامزد را هم بنزد خودش به (وارنه) دعوت خواهد نمود ، وضماً ستارش کرده بود که کاشکهای سرا در وارنه به عنوان مفروض سرتراش نوشته و بدکان خاجا دوویان بدهید او میرساند .

هیئت تحقیقیه بد از آنکه در کجا بودن پروابط را فهمیده شروع به تحقیق هویت مفروض کرده اگرچه برادر و خویشان را بطور تفصیل استجواب نمودند معیناً علامت و نشانی معلوم نشد که مشارایه

بکجا رفته و کجاست . نجیب ملحمه خطاب بمشارایه کرده و گفت

رمضان آقا . آیا تو مفروض را که در طویله غزاروس افندی کار میکرد میشناسی ؟

به حضرت پاشا ، مفروضرا میشناسم و یک نفر رفیق دیگر هداشت

اسم رفیقش چه بود ؟

پروابط

آیا ارباب مفروض را هم میشناسی ؟

شخصاً میشناسم ، روزی که به طویله رفته بودم مفروض گفت که آقای من به وین رفته که یکدرشکه بخرد هفت روز در طویله جوانی بود بلند قد و کوسه و یک چشمش از چشم دیگرش بزرگتر و خودش هم ترکی حرف میزد از شیوه زبانش به ارمی میماند جوان کوسه گنت که درشکه از وین آمده و در کربک شلحه است بعد هر سه آنها بکربک رفتند که درشکه را بیرون آورده و به شیشی ببرند . بد از دو روز درشکه را آوردند خیلی خوب در یاد دارم که آوم لاستیک گردونه های درشکه ترکیده بود فوراً باز و تعمیر کردند همان روز کی کوتاه قد و نونمند و تندرست و ازرق چشم از صبح تا شام در طویله بود .

➤ راجع بنظمیه ➤

امروز مهمترین و محکمترین بیسیانی که مارا در یک شاهراه خلل نا پذیری سوق میدهد استقرار امنیت و انتظام امور مدنی و بقای آسایش و جلو گیری از ظهور هر نوع انقلابات است .

معموریت یک مملکت که از نتیجه اقدامات فراد آمیز و خود غرضی های اشخاص نا این پایه بطرف انحطاط تمیزل نموده و یکی از جاده صلاح و فلاح منحرف شده در ظل لوای امنیت برای ما محقق الوقوع خواهد بود

رشته انتظام امور ملت و روح استقلال یک مملکت وقتی متزلزل میشود که کارکنان آن قوم را نگهدارند موفق باستقرار امنیت شده وسیله آسایش عمومی را فراهم آورند ؛

اگرچه مدارج تمدن و سعادت برای هر قوم و ملتی منوط به بسط بساط علم و ترویج معارف است

حصول مقاصد شخصی همواره سلامت مملکت را
در خطر انداخته

اینک هم که اوایلای دولت در صدد
تاسیس شالوده محکمی برای آسایش عامه میباشند
و با کمال جدیت در این جاده قدم میزنند متاسفانه
جماعتی در صدد برآمده بودند که با انتریکمهای
سری فتنه برانگیخته مجدد اهالی را فرسنگ ها
از نعمت کرامتهای امنیت دور نمایند!

جای تردید نیست که سلب امنیت رشته حیات
ملیت ما را خواهد گسیخت و تا امروز تمام فشارهاییکه
با وارد آورده اند متمسک بخدمت امنیت بوده اند
و در این چند ماهه اخیر حقیقتاً تا اندازه دولت
موفق بحفظ نظم و امنیت شده اغلب ایالات و
ولایات کاملاً از نعمت امنیت برخوردار شده و آثار
اعاده امنیت و انتظامات دو طالب از نقاط مشهود
است

متأسفانه برخلاف انتظار عموم اصلاح طلبان
موجب راپورتهای اداره نظمی و تحقیقات صحیحه
خارجی معلوم شد که از مدتی باین طرف جماعتی
تبعیب يك اراده باطنی در صدد تهیه انقلاب بر
آمده مشغول بودند در این موقع مهم نباید اشکال
بزرگی برای مملکت بکنند چون اوایلای دولت هم
قدر ملامت کوشیدند نباید بفتاد و نزدیک بود
نتیجه سوء خیالات و اقدامات آن ها ظاهر شود
هیئت دولت بر حسب تکلیف واجبی که در حفظ
مصالح مملکت دارد مجبور با اقدامات قویه شده موسسین
این اراده تاسید نمود، اینک محض این که علت
اقدامات دولت را باضلاع عموم برساند و منسبین
اذهان را مشوب و مشوش نماید لازم شد نتیجه
تحقیقات صحیحه که از منابع موثقه بدست آمده
بسمع قارئین محرم برسانیم که اقدامات مقتضیه دولت
در این باب خانه یافته بعدها ایداً قصد تعرض بکسی
نیست و باید بیروان اراده تبعید شدگان بدانند که
تبعیب رویه آنها و تهیه انقلاب سود خانه خواهد
داشت

امروزه باید از تجارب این مدت باید برآیدی
بوشیده بماند که علت تمام بدبختی هلی این مدت
همین بوده که ممدودی معرض بدبایس و من خواهی
برای جلب منافع و احزای اغراض باطنی شخصی

لیکن کدام بساط معرفت و سعادت بدون اقامه
امنیت منبسط تواند شد!

کدام يك از دول عالم تا امروز بدون
استدماة امنیت و رفاهیت عمومی توانسته است
یکقدم بطرف اصلاحات اساسی و اقتصادی و مدنی
برداشته به ترقیات عالم مدیبت و خصائص انسانیت
نائل گردد

هرقدر از لزوم و وجوب امنیت و آسایش
گفته شود و با هر اندازه از فوائد و محسنات آن
که بیگانه سرمایه دوام و قوام هیئت جامعه بشریه
است برشته تخریب در آید یکی از هزار آن را
نیتوان کاملاً شرح داد

تمام قوانین و قواعد جاریه عالم همواره مصروف
به تحصیل این مسئله مهمه بوده و تمام مساعی دولتمندانه
مستند باستقرار امنیت و ادامة صالح و آسایش
عمومی است!

دول منظمه عالم نفسی در این موضوع متبید
و منمکنند که در هر نقطه و کوشه فی الجمله علی
باعث تزلزل امنیت سرزند بدون قوت وقت آن
علت را محو و بر بقای سکونت میکوشند چراکه
حسن جریان امور عالم و موفقیت حصول ترقیات
و اصلاحات بسته بامنیت است و بس.

يك مملکت و دولتی که در سایه ترقیات خویش
چندین صد سال نائل مدارج تمدن شده باشد
بفسی که تمام امور و مهام ادارات دولتی آن در
منهای نظام و انتظام جاری و ساری گردد اگر فی الجمله
تغلقی در بر قراری امنیت از او ناشی شود آن
انتظامات و استحکامات صد ساله و آن اصلاحات
دیرینه در آن واحد غلیل و مختل شده اسباب
همه قسم خرابی با کمال سرعت تولید خواهد کرد
پس از این منطلق اس اساس تسبیقات و تنظیمات
ممالک عالم و شرط اعظم حصول ترقیات و سعادت
بشری در سایه دو رکن رکین امنیت و رفاهیت
قائم تواند شد.

این همه خرابیهای خانمان سوز و این استیصال
و پریشانی های رفت آور همانا نتیجه عرض رانی
اشخاصی است که پیوسته صلاح عموم را فدایی
ر اغراض و شهوات نفسانی خود نموده و برای

خود همه روز بهارزی القاء فتنه و انقلاب و ایجاد تفرقه و اختلافات کرده حس و فاق و امنیت را مرتفع و مملکت را دچار این همه محذورات و مخاطرات بزرگ داشته اند چنانچه همین عده تبیید شدگان چون از اول ترتیب و نظم و امنیت را منافی منافع و مقاصد خود می دادند همیشه از ابتدای سلطنت جدید بامر هیئت دولتی اظهار ضدیت نموده لایق قطع در مملکت تهیه اشکال و انقلاب کرده بدارات دولتی و عدلیه دست انداخته مجامع مخفی و مجالس سری تشکیل داده بوسایل مختلفه و اشاعات و اکاذیب و انتشار شب نامه و ژلاتین نگرانی قلوب و نفرت عموم و ترویج خود سری و بی نظمی و تزلزل هیئت دولت را فراهم می آوردند

چون تمام زحمات در مشروطه برای تحصیل نظم و امنیت و رفاه و آسایش عموم و آزادی ملت است و باین نعمت و سعادت باید از راه دقت در حسن انتخاب نائل شوند البته شرط اعظم حصول این مقصود اقامه نظم و جلوگیری انقلاب است که افراد ملت بتوانند باطمینان کامل و سلامت نفس فطری خرد شایسته وکلای امین صالح انتخاب نموده زمام امور خود را باشخاصی بسپارند که بدستی و امانت صلاح و سعادت ملت را حفظ نمایند و شیادان و مفرضین نتوانند بظلم و تهدید موزر و ترور و عوام فریبی و اشتباه سکرسی وکات و مقام متخین صالح ملت را غصب و اشغال نمایند چنانکه خطرات و خسارات این غفلت به تجربه دو ساله اخیر بر عموم واضح و روشن شده و البته از مجارب این مدت بنام خیر خواهان و بی غرضان مسلم شده است که هر فرقه و جماعت عوام فریبی در این مدت طلوع کرد اهالی را به فریب الفاظ خوش نما آلت اجرای خیالات باطله شخصی خود قرار داده بنواست آزادی خود سری را پیش گرفته تهیه انقلاب و سلب امنیت نمودند و ضدیت و نفاق با دولت را شعار خود نموده بهمین واسطه برضعف قوای دولت و مملکت افزودند تمام آنچه را از فطاط عالم و سبب ترقی و سعادت بود بد بختاه در این جا و سبب بجهت اجرای اغراض شخصی قرار دادند و نتیجه بعکس

حاصل شد. ایجاد جرایم که در همه جا برای تهذیب اخلاق و ترویج افکار است در اینجا میدان حملات و مفتربات و قبایح شده در موقع جلوگیری نیز بصورت شب نامه و ژلاتین شیوع یافت؛ تشکیل مجامع که در همه جا عانی و برای تبادل افکار عالییه و استناد ملت و مملکت است در اینجا بواسطه انزلیک همان اشخاص معذومه تبدیل بمجامع سری و مجالس مخفی یافته وسیله انقلاب و اختلاف و مروج قتل و غارت و بی نظمی و خنثیت گردید

البته بر حسن یا ک افراد ملت است که از گذشته تجربه گرفته بعدها فرب القات مفرضین را نخورده بدانند که دسیسه و انقلاب و خود سری و تهدید و ظلم همیشه منافی آزادی و آبادی و ترقی و استقلال است و در محالک مشروطه افراد ملت بمساعدتهای فکری عملی همیشه به هیئت دولتی که با اعتماد اکثریت ملت انتخاب شده کمک نموده اند و از این راه بمراحل ترقی رسیده اند امیدواریم که انشاء الله بعد ها شبهات مفرضین در قلوب صافیه افراد ملت موثر نیفتاده آراء صائبه خود را همیشه بوسائل مستقیم بمقامات لازمه پیشنهاد نمایند تا هیئت دولت بفرانت و اضمینات آنچه را سبب ترقی و سعادت است با مساعدت عموم اقدام نمایند.

از طرف اداره نظمیّه

(اعلان ذیل صحیح و منتشر شده است)

چون از چندی قبل بر حسب راپرت های واسطه و تحقیقاتی که بعمل آمده بود در شهر طهران اقداماتی بر ضد مصالح دولت و مملکت و بر خلاف آسایش عمومی تهیه شده بود و تاخیر در جلوگیری از انقلاب مستوجب مفساد عظیمه میکردید. نظر باینکه اولین وظیفه هر دولت حفظ آسایش عامه و جلوگیری از مفساد و تأمین ترفیقه احوال اهالی است

لهذا در اینمورد که اوقات اقدامات مزبور. منجر بمخاطره مصالح بزرگ مملکتی میشد از طرف هیئت دولت با اداره نظمیّه مقرر شد اشخاصی را که مؤسس این اقدامات بودند از طهران خارج نموده و این حکم بموقع اجرا رسید و اینک برای آنکه اذهان عامه مشوش نشود و اشخاص بی گناه و صالح بوحشت نیفتند بموجب این و رقه اعلان

و اعلام میشود که از امروز بید نسبت به یکس تعرض و مزاحمتی در نظر نیست مگر اینکه معلوم و محقق شود کسی و خلاف نظم و امنیت و برضد مصالح مملکت اقدامی نموده باشد و باید عموم اهالی بدانند که این اقدامات دولت فقط برای آسایش حال عامه و استحکام اساس نظم و امنیت است که اهالی مملکت از حیث جان و مال و کسب و تجارت همواره آسوده و آسین باشند و بسیاری اقدامات نهاد آموخته بتوانند باسایش و راحت عمومی نخلی برسانند و چون اشخاص مصلحه الاسلامی دین نیز در زمره همان اشخاص بوده اند که خروج آنها هم برای جلوگیری از ممانعت لازم بود و از حکم دولت ظفره میرفتند حاجی میرافسر، آقامیرزا احمد قزوینی، آقا سید حسین کزازی آقا شیخ رضا دهخوارقانی، شریف زاده خود را مخفی نموده اند اگر باز هم رفتار خود را امتداد داده و در خفا مانده و در اجرای امر دولت حاضر نشوند اداره نظمی آنها را نیز تبعید خواهد نمود

(اداره نظمی)

انتخابات عالم اسلامی

ادورد هنرم پادشاه متوفای انگلیس میگوید :
 « حکومت شوروی در هر حال ترقیات رفیقات مال و بگاها کنیل سعادت ام است »
 دیگری میگوید : « مداخله ملت در سیاست مملکت دلیل رشد عقلی و و اندازه لیاقت منتخبین آینه مر تا یا نهای مراتب ترقیات وی است »
 هر چند که حقایق و حقایق دین اسلام با یک صراحت قطعی دعوت به شور و مشورت می نمود اما در این میان ملل اروپائی و مسلمین سبقت قدم و وزیده از چندین صد سال پیش به تشکیل حکومتهای د-توری موجبات استحکام ارکان دول خویش را ایجاد نمودند

و فقط مسلمین در قرن بیستم میلادی و چهاردهم هجری برده های ظلمانی را از جلو چشم خویش برداشته به اهمیت این دستگاه عجیب و غریب پی برده ترتیب قوانین اساسی و تشکیل مجلس میعنوان را وجهه همت ساختند

لیکن متاسفانه از جهت تراکم خزادان کثیره

و انقلاب غیرمترقبه در ظرف این مدت نیز نتوانسته اند آن طور که در خور لیاقت ملل آگاه و بیدار است خود بنای نمایند

ولی خوشبختانه اینک تشکیلات شوروی در اغلب بلاد اسلامی با یک بسط و اشاعه بیشتری تجدید مطلع نموده تمام میعنوان ملل اسلامی در یک زمان متقارب انتخاب و در معنی یک دوره حیوة جدید مشترکی برای عموم مسلمین شروع میشود و متیقن است پس از این همه تجربیات عدیده در انتخاب نمایندگان لیاقت و کثایت خود را مشهود آفاق و طرفداران عالم اسلامی را با اقدامات علامتة خویش سیاس گذار خواهند ساخت

اولین دولت اسلامی که بهخواست قوانین و شروطیت را در مملکت خود مجری نماید دولت عثمانی بود که در زمان سلطنت سلطان عبدالعزیز و با اهتمام صدارت مدحت پاشا صدراعظم قانون اساسی مرتب و مجلس میعنوان منسوخ کردید (خوش در خشید ولی دولت مستعجل بود) در اندک زمان . صدراعظم معزول و محبوس . مجلس منحل و قانون اساسی منسوخ کردید و پس از انقضای سی سال باز بهمت جوانان ترکی و شروطیت اعاده و قانون اساسی منسوخ شد و آینه خاها راها مسبوق است که مجلس میعنوان بر حسب اراده سلطان در اواخر ماه صفر گذشته منحل گردید

و مجدد جنیدی بود که اعلاز انتخابات جدید داده شده و در تمام بلاد عثمانی سرگرم انتخابات بودند لیکن متاسفانه فیما بین دستجات فرقه اتحاد و ترقی با جمعیت حریت ائتلاف که بازگی در مقابل فرقه مزبوره تشکیل یافته است در موضوع انتخابات و تنوق بر یکدیگر کار از مشاجره بمنازعه کشید و در غالب نقاط زد و خود بوقوع پیوست

مع ذلك عمل انتخابات در مجرای طبیعی خود دایر و مطابق اراده سنیه مجلس میعنوان عثمانی منسوخ کردید

و چنان مینماید که در آینه باز اکثریت پارلمان نصیب فرقه اتحاد و ترقی بوده نهایت جمعیت حر مؤتلف نیز صندلی های زیادی را اشغال کرده اند در مصر نیز عنقریب بساط مشروطیت منبسط

مجلس نوای رسماً متشوخ و قانون اساسی رسماً
منتظم خواهد شد

والا حضرت خدیو معر عباس حاجی پاشا در
ضمن خطابه افتتاحیه جمعیت عمومی تصریح مینماید
که با کمال اهتمام مشغول ترتیب ایجاد وسایل
حکومت نوایی و جازه بر اعضای مشروطیت کامله
پتسریاست

بدیهی است با این تصریح خدیو معظم طولی
نخواهد کشید که در پایتخت فراغه و وادی نیل
یک پارلمان تنظیم مرکب از بهترین تربیت شده کان
عالم اسلامی جلوه گر گردد

مصر در جزو ممالک اسلامی از حیث علم و
مرفهت دارای مقام عالی و فی الحقیقه میتوانست
گشت در ظرف یکصد سال خود را مستحق و
مهربای این مقام رفیع نموده است و پس از مسلك
شدن در عداد دول مشروطه بواسطه داشتن اشخاص
لایق و کافی در قلیل مدتی خویش را به پایه دول
عظام خواهد رسانید

برادران اسلامی ما در چین نیز موفقیت کامل
تخصیل نموده یکی از عناصر خسته دول متحده
جمهوری چین محسوب و از این قرار :

اولاً ایالت قدیمه یونان چین که دارای سی
میلیون جمعیت مسلمان است بشکل یک مملکت جمهوری
دارای قانون اساسی و پارلمان مخصوص در آمده
یکی از دول متحده جمهوری چین بشمار میرود

ثانیاً در گنگره مرکزی دول متحده جمهوری
چین منتهه در یکن پایتخت کل ممالک مزبوره عده
زیادی از مسلمین جی کزین خواهند بود

و یقین است که برادران چینی ما اهمیت موقع
را درک نموده برای چین کذکره منظم که البته در
آئیه بزرگترین کذکره های عالم محسوب میشود
سی و کوشش خواهند نمود که منتخبین خود را از
میان رجال عالم و فیلسوف برگزیده نمونه از بزرگی
و شوکت رجال اسلام نشان بدهند

ایران دومین مملکت اسلامی و سومین دولت
مشرقی است که دارای قانون اساسی و مجلس میونان
گردیده است

مات ایران در ظرف این هفت سال نایل بنقام
مشروطیت گردیده بسی سختها کشیده ، صعوبتها

دیده و از این سختها و صعوبتها البته تجربه های
کامل حاصل نموده و بدین واسطه امید کالی میرود
که پارلمان آئیه ایران مقام عالی تری را درک نماید
حصول این آمال و آرزو موقوف بدان است
که بدانیم از نقطه نظر دولت وکلای دوره آئیه
باید دارای چه صفاتی باشند ؟

شکی نیست مطابق مرامنامه هیئت دولت که در
تابستان گذشته از مجلس سابق گذشت وکلای دوره
آئیه حق نظر در قانون اساسی خواهند داشت و
در معنی چنان اقتداری به وکلای دوره آئیه داده
شده است که میتوانند قانون اساسی را جرح و
تعدیل نموده اساس مشروطیت ایران را بریک پایه
بسیار محکم خذل نپذیری که در خور لیاقت ذاتی
و استعداد فطری این ملک و ملت است بنا نمایند
و چنانچه معلوم است قانون اساسی هر ملت باید
بطوری وضع بشود که بتواند کنالت از احتیاجات
عمومی اهالی مملکت نموده قوی و اقتدارات ملت
را در تحت انتظام مخصوص شایان استفاده در آورده
و بالاخره امور زندگی آن ملت را بطور کلی
اداره نماید

و در این صورت بدیهی است که قانون اساسی
هر ملت باید متناسب با اقتضا آت طیبی ملایم
با عادات و وضع زندگی موافق با اخلاق و موجب
حصول احتیاجات عمومی آن ملت باشد

و چون مزایای فوق را که در وکلای آئیه
باید منظور بشود درست در خاطر بسپاریم و با
قطعیت آنکه دولت مشروطه همیشه صریحی ملت و
خیر خواه مملکت است بطور بداهت و وضوح معلوم
خواهد شد که دولت در موقع اعلان انتخابات رعایت
این نکته عالی را چنانچه شاید و باید نموده صفات
لازمه وکلای آئیه را خاطر نشان عموم کرده از
راهبانی ملت خویش مضایقه نخواهد داشت

و چنانچه ملت بزر بند و اندرز ناهین خود را
بسمع اصفا قبول نموده و در آئیه نایبندگانی
داشته باشیم که از حیث درجات علمی ، مراتب
اخلاق و لیاقت و کثابیت دارای مقامات عالی باشند
البته مملکت ما از این بدبختی و نقاهت فعلی که طاند
صنات طبیعی لازم غیرمشارقی وی شده است رهائی

یافته امید عالی درونی ما بر آورده و آینده بسیار درخشنده معنشی را درک خواهیم نمود
ملت نجیب ایران باید احساس نماید که بهترین عناصر موحوده عنصر مشروطه طلب و حریت خواه موافق مقتضیات زمان است، زیرا سر نوشت آتیه این مملکت نسیم قویم در ید قدرت و سرخه فعالیت مابندگان دوره سوم تقنینیه مجلس شورای ملی خواهد بود

اقامتگاه وکلای آتیه ایران را حد فاصل بین حیات و ممات این مملکت خاوری باید دانست .

(انتخابات مجلس ملی)

« از طرف والا حضرت اقدس »

| نیابت سلطنت نظامی |

(هیئت وزراء عظام)

چنانکه مقتضای ترتیب قانون همین بوده مستحضر هستید که این جانب در موقع انقضاء دوره تقنینیه مجلس شورای ملی فرمان و دستخط انتخابات جدید را صادر نمودم و توسط وزارت داخله اعلان شد، تا آنجا که بواسطه بعضی اتفاقات و نبودن حکام در بعضی محله‌ها و میا بودن نظم و سکون کاملی که در موقع جریان انتخابات لازم است تا کمترین اجرای آن به تعویق افتاده اگر چه مسلم است بطوریکه در سایر عمالک مرسوم است نظر هیئت دولت بر این بوده که و سایل حسن جریان امر را بدو مهیا نموده بد در قلیل زمانی در همه جا متوالیاً شروع با انتخابات نمایند ولی از آنجا که تاخیر این امر بالطبع حایز نیست به علاوه شنیده میشود که بعضی اشخاص بواسطه عدم اخلاق و بعضی دیگر از رویه غرض نسبت نسیح و نفقات در اینکار باولیا امور میدهند بنابر این اکیدا خاطر وزرای عظام را با اهمیت این مسئله جانب مینمایم که سریعاً مطالبات دقیقه در این باب نموده اقلاد درجا هایکه شرایط آزادی رای و حسن جریان انتخابات موجود است و مخصوصاً در پای تخت که نسبت بنقاط دیگر مملکت مهم تر است هر چه زود تر اقدام به ترتیب مقدمات و شروع در انتخابات بکنند اگر هم فرضاً در بعضی نقاط مجتهد مهیا نبودن شرایط مزبور اندکی فراخی

مشهود باشد البته در ضمن جریان انتخابات جاهاتیکه شروع با انتخاب میشود سعی خواهند نموده که در آن نقاط نیز هر چه زود تر عملی شود و سایل اقدام فراهم آید چون هر چه لازم بوده در فرامین صادره قبلاً اظهار شده در این مسروحه همین قدر تکرار و تاکید مینمایم که صلاح و سعادت آتیه مملکت فقط منوط بحسن جریان انتخابات این دوره تقنینیه است منتظریم هر چه زود تر تصمیم قطعی نموده نتیجه را اعلام دارید و اینجانب قبل از حرکت به سفر موثقی که در نظر دارم بدانم که اهمیت این وظیفه را وزراء عظام جدأ و کاملاً در نظر گرفته اقدام بر ترتیب آن کرده اند و در نقاطیکه شرایط موجود است مقدمات شروع با انتخابات را مهیا نموده و در نقاط دیگر نیز که شرایط نظم و آرامش موجود میشود متوالیاً با اجرای انتخابات اقدام خواهد شد . چون یگانه راه صلاح و سعادت و ترقی و نیک بختی مملکت اهتمام در ایفای همین وظیفه مهم و حسن جریان آن است بهترین اسباب خوشوقتی و آسودگی خاوری نیز که وزراء عظام بخواهند براهمی این جانب تهیه نمایند همین خواهد بود و چون این امر مستقیماً راجع بوزارت داخله است امید وارم با بصیرتی که دارند جد و جهد مخصوص نموده این مسروحه را نیز برای اطلاع عموم در روز نامه رسمی اعلان نمایند

از خداوند توفیق کامل بوزراء عظام میخواهم که انشاء الله هر چه زود تر و بهتر از تهیه این مشیویت مهیا بر آمده بصلاح و سعادت حقیقی وطن خود نمایند

۱۳ جمادی الاولی ۱۳۳۰

ابوالقاسم

نقل از روزنامه نجف

صورت دستخط مبارک حضرات حجج اسلام

(که انماماً للحججه بعموم طبقات مسلمانان)

| ایران اعلام فرموده اند |

(بسم الله الرحمن الرحيم)

توسط آقایان عظام حجج و ارکان اسلام علماء اعلام بلاد محروسه ایران دامت برکاتهم . بسموم امراء و خوانین عظام و رؤساء عشائر و ایلات

و اعیان مملکت و طبقات ملت ابلاغ فرمایند. بعد از فحیمه کبری خراسان و اهانتهای وارده بر عتبه مقدسه رضویه علی مشرفها افضل الصلوة والتحیة و هتک احرام آن مشعر بزرگ اسلامی که نظیر آنرا از وحشی ترین ملک عالم هیچ تاریخی نشان نمیدهد آیا بازم رایجی احدی شک و شبهه باقی مانده که مقصد اصلی اجاب ازین همه بهانه جوئیها و تشبیهات ناحق محض مملکت گیری نیست بلکه مقصد اصلی محو اسلام و برداشتن کلمه توحید و رسالت و قرآن مجید و هتک مشاعر و ابطال شعائر اسلامی است. تفرق کلمه و بهم افتادن طبقات ملت ایران و جنگهای خانگی و امتداد نا امنی را بهرین وسیله خود دانسته از این طریق داخل و کردند آنچه کردند و با بقای اسلامیان باین حالت غنات نسبت بهنجات مقدسه عراق بلکه حرم اقدس نبوی صلی الله علیه و آله بلکه قبور پیام مسلمین زادالله شرفا و نظایرهم العیاد بالله تعالی مکتوبات دیرینه خود را اجراء خواهند نمود لا انا لهم الله تعالی ما بریدون و یتبه كافة المسلمين عن سكرة النفاقین

بعد از استحصال داعیسان از هتک حرمت روز عاشورا در تبریز و اصلاع بورود شامکر اجنبیه بارش اقدس همین روز سیاه را در پیش دیده برای علاج واقعه قبل از وقوع با مقدمات علماء نجف اشرف و سایر مراجع اسلامی کربلای معلی و سامره مبارکه در عتبه مقدسه کاظمیه علی مشرفها فضل الصلوة و التحیة مجتمع شدیم بعد از کمال تأمل و مشورت بحاجات اسلام از این مهالک و بیش آمدهای هولناک را فقط منحصر بر رفع بهانه اجاب و امنیت ~~کامله~~ در تمام نقاط ایران دانسته گزارا این معنی را کتبا و تلگرافا به همگی ابلاغ و اصلاع للحججه قریب باین مضمون تلگرافا همه نوشتیم یا للمسلمین الایرانیین! یک مشهد مقدس رضوی در خاک ایران و مایه شرف و افتخار شهاست آیا روا میدارید آنهم بواسطه اختلافات شها و دست آویز عدم امنیت اتباع خارجه باهمال آنان شود؟ و آنچه خواهند بدون هیچ مانع و رادعی معمول دارند؟ و شک ابدی آن برای شها باقی ماند با اینکه این استیفاء اسلام و انتشار آن امام

ضرب مظلوم و آباء و ابناء طاهرین آن حصریم صلوات الله علیهم اجمعین را بهمه رسانیدیم از احدی اجابت و اندک عنایت در رفع بهانه خارجه ندیده و نشنیدیم سهل است از چیه قبیل مردانی چیه مساعدتهای مادی و معنوی بامرام اجاب و استحکام بهانه آنان و ضدیت بادعوت اسلامی داعیان علنا مشهور و روسها را که دشمن بزرگ اسلامند بهترین صدیق واقعی ایران قلمداد و با مشاهده هتک روز عاشورا در تبریز بازم کار نداشتن آنها را با اساس دیابتی در اذهان ساده جلوه دادند و اندک اندیشه آنها را از ارتکاب چنین شایع به همین و سائل بکلی برطرف نموده بالاخره احرام آن روضه مقدس این صور بباد قلمدادند و اسلام و مسلمین را چنین روز سیاه نشانیدند حالا که مقصد اصلی دشمنان اسلام کاملاً مکشوف و کذب اراحیف مساعدین آنها بر همه واضح شد و هم از سکوت سایر دول متمدنه از هتک روز عاشورا در تبریز و تعقیب به هتک احرام عتبه مقدسه رضویه علیها افضل الصلوة و التحیة با اینکه مخالف حقوق و قوانین مسلمه تمام مدین عالم است خوب آشکار شد که هتک مشاعر و شعائر اسلامی را بهیچ عیثاورد و مناهمان را حتی از حقوق بشریه هم محروم دانسته و در ابطال حقوقشان اشکر مساعد نباشد بوجه من الوجوه حمایت نخواهند داشت و باید خود مسلمین فکر روز سیاه خود افتند و از برای حفظ آنچه از دست نرفته علاج عاجل نمایند

علی هذا باز هم ایما لا حجه بهمه اظهار میداریم که از برای خدا و محض حفظ کلمه طیبیه توحید و رسالت و قرآن مجید نماید زحمت یغیر اکرم و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین را بواسطه اعراض با همدیگر پیش ازین بهدر ندهید و لا اقل ذلت اسات خودتان را در جنگال اجنب نصب العین خود نموده گذشته هارا کائنا ما کان لم یکن انگارید و از حالا برادرانه همگی در رفع دست آویز اجاب باهم متنق شده و در مقام جلو گیری از بیش آمدهای جناب گذار از این برآئید اختلافات داخلیه و جنگ های خانگی را کنار گذارده و در استقرار اساس امنیت در تمام مملکت و آسایش عموم اهالی و اتباع خارجه مبارعت و دلسوزی

تأیید تا بعون الله تعالی و حسن تأیید و بهمت اسلام برستان رجال با کسایت مملکت و رؤساء عشائر و ایلات با غیرت و حیثت بیانه حفظ حقوق تجارت و نفوس و اموال اتباع خارجه بکلی مرتفع و کاملاً موقوف الطمع شده از مداخلات ناحق و تعرض بر نفوس و اموال و اعراض مسلمین و استخفاف بدین مبین و هناك شعائر و متاعر اسلامی رفع بد نماید و بسالاد اسلامی را تخذیه نموده بمالك خود شان معلودت کنند انشاء الله تعالی هذا بلاغ للناس ولینذروا به و لیعلموا انما هو اله واحد و لیلذکر اولوالالباب

مخصوصاً این اتهام حجت ما را غیرمندان اسلام بلغات دیگر هم ترجمه نموده تمام مسلمانان برسانند بلکه در تاریخ نیز مندرج کنند تا تمام مسلمانان عصر حاضر و انتقاب آینده همه بدانند که این خادمان شرع اسلام در حفظ دین و دنیای مسلمین از آنچه وظیفه حالیه مقتضی است از بذل مجرود کوفی نکرده وظیفه مقابیه خود ما را ادا کردیم

اللهم الشهد باننا قد بلغنا و ادینا ما علینا و السلام علی اخواننا الصالحین

مکتوب یکی از علماء بزرگ
(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله الذی جعلنا من امة محمد ولم يجعلنا من سایر الامم

ای مسلمانان عالم این چه انقلاب هولناکی است که بر اسلام نازل شده ؟ این چه منظره اسفناکی است که اسلام را در بر گرفته ؟ آیا سزاوار است که عده مسلمین تقریباً ۳۰۰ میلیون باشد و این قدر ظلم بر عالم اسلامیت وارد شود ؟ مثل اینکه زبان ما لال و گوشها مکر و چشمها کور باشد ابدأ اظهار حسنی نکنیم ؟ ای مسلمانان کرة زمین هیچ میدانید چه صدمه بر اسلام وارد شده ؟ هیچ میدانید چه سلطه بر اسلام خورده ؟ آیا فهمیده اید چقدر اسلام غریب شده ؟ و حال آنکه باضطراب اسلام تمام عالم مضطرب میشود و به سکون اسلام تمام عالم ساکن بود ، ای جمهور مسلمین چه شده است شما را که بکلی از یکدیگر بیخبرید ای ۷۰ میلیون مسلمانان هندوستان چه شده است شما را که این قدر ظلمهای فوق العاده در این سه

چهارماهه با ایرانیان وارد شده و شما کبابی اظهار همراهی و همدردی با ما نکرده و نمیتکنید چقدر ماها بی حسیم چقدر ماها بی حالیم سکوت تا این اندازه صحیح نیست تحمل این قدر سلاح نیست ، اگر نفع الاسلام را که دو تیریز دو عصر عاشوزا بدار زدند يك داد و اسلاما میزدیم که تمام اهل عالم می شنیدند در عصر دهم ربیع الثانی روسیسان این حرکت بیرحمانه میکردند این حرکت اسلام به باد ده میکردند این حرکت اسلام کس نمیکردند ، یعنی خاك برسما تبریحتمند یعنی خاه خدا و کینه مقصد ما بقمه منوره بسر پیغمبر ما غریب خراسان بیاردمان میکردند یعنی چهار ساعت از چهار طرف مسجد و سخن و گنبد را به باد گلوله میکردند یعنی شرافت و حیثیت اسلام و مسلمین را از میان نمیکردند ای مردم زبانم لال اگر نخواهم آنچه در مکتوب خراسان دیدم بویسم اولاً حیا مانع است ، ثانیاً می ترسم بعضی مسلمانان غیور قالب نمی کنند خدا بداد اهل خراسان برسد

(افسانه که کس نتواند شنیدش)

(یارب راهل طوس چه آمد ز دیدش)

ای امت پیغمبر اگر گوش و دل باز کنید صدای وا غرنا از طرف مشرق ایران بشی غریب خاك خراسان خواهید شنید چرا که امروز غریب الغرمانی بر آن حضرت صدق میکند بحمت این که زمانیه آن مظلوم را مسموم کردند دوازده هزار سر خراسان دیوانه وار سر روی برهه و اما نا گویان با چشم گریبان در تشییع جنازه آن حضرت حاضر بودند تا چند روز قبل هم در شب و روزی اقل دو هزار نفر بته بوسی مشرف میشدند و عرض میکردند السلام علیک یا غریب الغریبا ، اما در این چند روزه مشکل میداد میشود کسی آزادانه وارد سخن غریب شود و سلامی عرض کند ، لیکن سالدات روس در کمال آزادی سواره و پیاده وارد سخن و حرم و مسجد گوهر شاه میشوند خدا دلیل کند کسانی را که سب شهید این خور بی احترامی فرزند پیغمبر وارد آید

ای مسلمانان فهمیدید روسیسان ندانند باطنی خود را چگونه ظاهر کردند ، ای مردم اگر ما متفق بودیم این سدمات باسلام و مسالک اسلامی

وارد میشد ، در شرایط ضرب این قدر مسلمان
کشته میشدند این قدر زنها بی شوهر واطسال بی
پدر میشدند ، بیروت بمباردگان میشد ، تبریز توپ
بسته میشد . ای مؤمنین سستی تا کی بی مبالائی تا
چند . خداوند در قرآن می فرماید (یا ایها الناس
انا خلقناکم من ذکر و ائی و جعلناکم شعوبا و
قبایل لعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم) و فرمود (النبی
اولی بال مؤمنین من انفسهم و ازواجهم امهاتکم انما
المؤمنون اخوه فاصبرحو بین اخویکم) و نیز میفرماید
(المؤمنون کنتم واحد) بلکه جمیع افراد مسلمانان
دنیا بمنزله یک تن واحدند

(بی آدم اعضای یک دیگرند)

اگر خاری به پا فرو رود باید دست او را
پروان کند . اگر خاشاکی به ظرف چشم میل کند
باید اعضای دیگر او را جلوگیری کنند . اگر یک
نفر مسلم مظلوم باشد باید همه مسلمین دفع ظلم از
او بکنند ، خوب عمل باین فرمایشات ~~کردند~~ ،
خوب برادر هائی هستیم ، خوب در صدد اصلاح
بر آمدیم . ای امت خاتم الانبیاء جاوه بکنید وقت
شده است استقلال ساطنهای اسلامی در حال نزاع است
الاجل عمالت اسلامی با گلوله های توپ خراب شد
العجل روحانیون بدست کنار بدار آویخته میشوند
الاجل مسلمانان بنال سم ستوران میشوند . العجل قساع
مساجد ضریه اسپهای اجاب میشود . العجل قساع
متبرکه و اما کن مشرفه که مزار مسلمانان است بمبارد
میشود ، العجل زنها و دختران ما ها اسیر و دست
خوش کنار شدند ، العجل ای امت حبیب خدا
بیدار شوید هوشیار شوید قصه قصه شبیه و سنی
نیست اینها تمام شد ، حیدری و نعمتی نیست -
شیخی و بالا سری نیست - اخباری و اصولی نیست
مسئله کفر و اسلام است - ای ۴۰۰ ملیون مسلمانان
دول مختلفه دولت ایران و عمان بجای دو چشم
اسلامند و شما مسلمانان دول مختلفه بجای دست اسلامید
بدی است اگر نخواهید صدمه بچشم وارد آید
بدهست باید رفع کرد . اقلآ شماها میتوانید از دول
مقتدره شعوبه خرد استمداد کنید که جلوگیری
از این ظلمهای فاحش و از این تمذبات قانون کش
و از این تصرفات استقلال شکن ~~که~~ نسبت بدول

اسلامی میشود بکنند - ای متمدنین و ای متمدنین
ای نوع برستها ای ترقی خواهان نوع بشر چرا از
دولت روس و ایتالی سئوال نمیکنید شماها بچه حق
سیاسی هر روز از گوشه تصرفات غیر مشروع نسبت
باین دو دولت تازه بیدار میکنید هر ساعتی بجهت
جلوگیری از ترقیات آنها گریه رقصانی میکنید و
نمیگذارید مثال سایر دول در زیر سایه مشروطیت
نشو و نمائی بکنند - ای گروه مسلمین امروز استقلال
ساطنت اسلامی بسته بانحاد مسلمین است - امروز
حفظ ممالک اسلامی بانحاد است - امروز نگه داری
امصار و بلدان اسلام بسته باتفاق است - امروز
احترام اهل اسلام باتفاق است - امروز حفظ توأمین
اسلام بانحاد است - امروز نصب مساجد و معابد
ومزارع مسلمین بانحاد است - امروز حفظ قرآن
منوط بانحاد و اتفاق ~~مطلبین~~ است ای مسلمین داروی
درد های ما اتحاد است - ای مؤمنین ترویق نافع
ما اتفاق است بیاید عمل به آیهات قرآن و تصایح
بزرگان کنید - قرآن ما میفرماید (و اتصموا بحبل
الله جمیعا ولا تفرقوا) و فرموده اند (حبل الله متین
هو الجماعه) پیغمبر میفرماید (یدالله مع الجماعه) حی
دیگر فرموده المؤمنون کاتبینا یشد بعضه بعضا)
خاتم انبیاء میفرماید میخواهید شما را خبر دهم از
چیزی ~~که~~ بهتر از نماز و روزه و صدقه باشد
آن اصلاح بین دو مسلمان است بدوستی که فساد
این دو نفر هر دو را معدوم میکند - پیغمبر ما
این قدر تاکید بصلوة جماعه ~~بجهت~~ و حج میفرماید
تمام غرض خبر و رسیدگی و اطلاع از یک دیگر
بود فقط خم و راست شدن و طی کردن مسافت نبود
این تراب اقدام مسلمین با کمال افتخار جمهور مسلمین
را دعوت بانحاد میکنیم اصالة از جانب خود و
نیابتاً از قبیل برادران ایرانی و عمان باسب مبارک
جدم خاتم انبیاء (ص) بقصد اتحاد میکنم و میگویم
بجهت تسلائی قلب بیفرما دو ملت اسلام اتحاد کردیم
اتحاد محکمی ما برادران هندوستان و افغانستان و
مصری و قفقازی و جاوه و مراکش و سودان
و سایر قطعات آسیا و اروپا و افریقا و امریکا و
اقیانوسیه با یک دیگر قرار میگذاریم که متفق و
متحد باشیم بر حفظ استقلال ساطنت های اسلامی

و ممالک اسلامی و حفظ دین و آئین و مذهب و
شئون مسلمین هر کس اقدام باین اتحاد نکند در
فردای قیامت عذابه و عذاب رسول مؤاخذ خواهد
بود (اللهم انصر من نصر الدین و اخذل من خذل
الدین و السلام علی من ابع الهدی)

(الاحقر الجان حسین الحسینی الطیبی)

تذکرات مهمه

شب گذشته در بروسلر بایم تحت بازیک
نارنجکی در قرب صندوق خطوط وزیر مختار آلمان
ترکیده ولی احدی بیرون نگردیده است
مدرس پنکهرست از زنان حقوق ناب انگلستان
محکوم مجس شده بود پنج یوم امسک در خوراک
نموده چون قوایش قریب الاضلال گردیده مجبوراً
رهاش ساختند

بر حسب نگارش روزنامه پوس دو برلن یک
گونه هیجانی نمودار گردیده که بتاتب ستودج
روسی بخرم جاسوسی گرفتار گردیده است . افسر
مدکور از دبر باز در برلن متوقف بوده بظاهر
تعلیم دیارات جنگی را می یافت

در دارالشورای ملی انگلستان سرورس برش
نمود که آنها دولت انگلیس توجه به امور تبت
خواهد نمود؛ با به سر مانینگو جواب داد که
مسئلت حکومت در معاملات تبت تدبیر پذیر نیست
دولت چین رد نموده است قرضه را که شش دولت
معموم به ادای آن شده بودند چه شرط نموده
بودند بگران نامه بر مصارف دولتی چین هم
داشته باشند

رئیس الوزرای آلمان دالر وان بهمن هانوک
عنقریب رهسپار پترسبرگ خواهد گردید . و
روزی چند در پترسبرگ و مسکو توقف
خواهد نمود

بر حسب املائیکه رپوتر یافته در مسلمانان
بتبتی برای عضویت شورای فرمانفرمای نواب
اشرف والا سر سلطان محمدشاه هم دوطلب خواهند
گردید

بواسطه گرفتاری کبتان روسی در برلن باهم
جاسوسی در پترسبرگ تشویش پیش آمده است
چه کبتان ملزوم علیه اقرار نموده است که برای
ملاحظه کارخانه جات حراقة آلمانی آمده است

اخبارات روسی می نویسد که اگر کبتان موصوف
وا رها نه نمایند کدورتی بین امپراطورین آلمان و
روس بیدار خواهد گردید

لغتت دان آلمانی برای تحصیل زیات روسی
روسی به پترسبرگ رفته بود بخرم جاسوسی گرفتار
شده است اهالی برلن همچو تصور می کنند که
روسیان قصاص کرده اند

یک از زانت حقوق طلب که متر اسکویت
رئیس الوزرای انگلستان را مزاحم شده و تکلیف
داده عنناً بیرون کرده اند مشاراً الیه دعوی می
کند که ساعت وی را شکانیده و گاویند الماش گم
شده و او را صدمه زده اند از این رو زانت
حقوق طلب در بست خانه وغیره در پیچه ها را
می شکنند

لاردر هالدین موقیبه در یکی از مریض خانه
های آلمان شیافت شده بود چنین نطق داده که
امپراطور آلمان از رحل بزرگ دنیا است که دو
عرصه ربع صدی هیچ گونه خالی در امنیت عمومی
نیانداخته و جازات جنگی آلمان بسیاری قوی و
قشون وی اول قشون دنیا است که امپراطور آلمان
نیم انگلیس و نیم آلمانی است . این دو نوم با
یک دیگر متحد شده در بهزی این عالم خواهند
کوشید

تذکرات راجحه به عثمانی

قشون ایطالی در حینیکه مشغول فرود آوردن
بمب بودند یکی از آن ها را کبیده - یک افسر
و هفت سر عسکر بحری مقتول و سه سر مجروح
گردیدند .

وزیر داخله عثمانی اراده نموده است که اداره
تشکیل دهد که نگرانی تمام بر کابه ولایات و حکام
داشته باشد و انضای این اداره عهده شان دون
والی گری خواهد بود و این اقدام از مقدمیه
شروع خواهد شد و چنان تصور میشود که افسران
انگلیس برای این اداره استخدام گردد

متر محمد علی دبیر کامرید من باب جنگ زان
زور به فیلد مارشل محمود شوقت پاشاه وزیر
جنگ عثمانی تذکرات نموده است سار از حقیقت ما
وقع کرده چنین جواب یافته است - قشون ایطالی
که عبارت از ۶ تیپخانه و دو نیم تیپخانه

گرفته ملحق به باغیان البانی شده‌اند و چنان تصور میشود که این بغاوت برخلاف جوانان ترك یعنی انجمن اتحاد و ترقی میباشد و بسیاری از مبعوثین سابق پارلمان شامل هم در این بغاوت شده‌اند.

حکومت هند مسلمانان را هدایت نموده‌اند که چون از طرف ایتالی در کامران اقدامات جنگی جاری است هر يك از حجاج را لازم است که ذخیره آذوقه عمده و محفوظ و کافی برای خود همراه بردارد و از طرف نظار در هرگاه تقعی در آذوقه آنها دیده شود ضایع خواهند ساخت.

پیش آمد کنونی البانی خیلی موثر تشویش در اسلامبول شده است و سبب اینست که بغاوت نموده و رفته‌اند بیشتر البانی بوده و بلحاظ سازش هائیکه بلتیکی این حرکت پیش آمده است اعتراض آنها بیشتر به انتخابات گذشته بر اعضای انجمن اتحاد و ترقی است و خواهش ثابت این است که طلعت جوید بی از وزارت خلع شود و جناب معلوم میشود که محافل سری مثل اینکه جوانان ترك در ۱۹۰۸ داشتند اینک در مناسبت و مقدونیه و اسلامبول موجود است.

در بوخس چنگ سختی پیش آمده - قشون ایتالی به تاید نوبخانه بر شش هزار ترکان که در خندق‌های سیدی بارق بودند حمله نمودند و پس از اینکه پانصد نفر ترکان را قتل رسانیده آنها را از خندق خارج ساختند مجدداً ایتالی‌ها حمله دیگر نموده مقام مرکزی ترکان را بر باد کردند و از طرف ایتالی ۲۰ نفر مقتول و یکصد نفر مجروح گردیده است در سیدی سعید قش که ایتالی را پیش آمده خیلی سبب جوش و خروش و مسرت پارلمان روم گردیده است.

رحسب تلگراف رسمی روم بتاريخ ۲۸ جون مجدداً چنگ سختی در سیدی سعید واقع گردیده عده زیادی از ترکان و اعراب که بکمک مدافعین آمیوه بودند در خندق‌های سنگری توقف داشتند تمام دویزن ایتالی بمبارد نمود بر آنها و سه جهاز جنگی از دریا تاید کردند عاقبت بحمله سر نیزه تفنگ رسیدند پس از اینکه دویست نفر از ترکان قتل رسیده عقب نشانی‌دهند و از قشون ایتالی ده نفر مقتول و هشتاد و هشت نفر مجروح شدند و در تاریخ بیست و هفتم که جنگی پیش آمده بود قهرست مقتولین ایتالی که مرتب شده بود فقط ۲۹ بودند.

قشون بود در مقام زان زور بر قشون مدافعه ما حمله نمودند و توبهای جهازات جنگی هم تاید اردوی ایتالی را می‌عود. قشون ایتالی نسبت به قشون ما دوزان روز پنج گونه بود - هشت ساعت کامل جت جاری بود بواسطه بمباردمان جهازات جنگی موقع قشون ما یکونه بود محض اینکه جنهای عساکر ما بر اینگان برود حکم بمودت یافتند - باین که عده قشون خصم خیلی زیاد بوده و جنگ زودیک دست بیکه رسیده بود مبدانك قشون ما بامنتهای جلادت و بهادری قشون ایتالی مزاحمت میرسانید و تاقنیکه شیپور رجعت زده‌شد احدی از عساکر ما رو برنگرداید و از طرف ما يك صد و بیجاه نفر مقتول و تقریباً سیصد نفر مجروح شدند ولی از طرف دشمن بالغ بر يك هزار قتل رسیده‌اند.

بتاریخ دوازدهم جون علی الصباح قشون ما از دو جانب بر خص حمله بردند با اینکه در هشت مقام ایتالی سیمهای خار دار را حصار خود ساخته بودند مبدانك حملات قشون ما متوالی بود. با اینکه سرنك‌ها کشیده و توبها از هر طرف مدافعه می‌کردند و قشون هم با تفنگ جلوگیری نموده بود بار هم جلوگیری از حملات قشون ما نمی‌شد و احدی از مدافعین ایتالی زنده نماند. بسیاری از برقرهای ایتالی و ذخایر توبخانه و توبهای آنها عنیمت قشون ما گردید و خیلی از توبهای آنها را خراب نمودیم در این موقع دسته دیگر از قشون عثمانی بصرف ساحل پیش قدمی نمود و قشون مستحفظ که در خیمه‌ها بودند شکار عثمانیان شدند بسیاری از آنها هلاک گردیدند در این موقع که قشون ما مشغول به رفع موانع و دفع خصم بود قشون ذخیره ایتالی از شهر و مرغاب به کک رسیدند و قشون موجوده ما هفت توبت آنها را عقب راندند و میدان از کشتگان ایتالی برگشته بود. با اینکه از جهازات بر شهر خص و سیدی بارق و مرغاب بمبارد میشد ایفای قشون ما ممکن نبود پس از اینکه جمیع ذخایر توبخانه و غیره ایتالی را خراب نمودند عودت ~~نکردند~~ بالغ بر يك هزار نفر قشون ایتالی که منجمه آنها هفتده افسر بود قتل رسید و فقط از قشون ما صد نفر مقتول و دویست نفر مجروح گردیدند.

در مقدونیه بغاوت سخت قشونی نمودار گردیده دویست نفر از قشون البانی سلاح

جبل‌التین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴
HABLU MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

کتاب - امور اداره باندیر
کل مؤیدالاسلام است
مردوشبیه طبع
سه شنبه توزیع میشود
بوم دوشنبه

۲۲ رجب ۱۳۳۰ هجری

مصادف با

۸ جولائی ۱۹۱۲ میلادی

وسلامه حق اخذ ابونه بدون قبض ندارند و تا وقتی که
مشترکین را قبض مخصوص سال بیستم دولت نباشد
ذمه شان بوی شناخته نمیشود

ماه مقدس

(قیمت اشتراک)

سالانه — شش ماهه
هند و برمه

۱۲ روپیه — ۷ روپیه
ایران و افغانستان
۴۰ قران — ۲۵ قران
عمانی و مصر
۵ مجیدی — ۳ مجیدی
اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

روس و زکستان

۱۰ منات — ۶ منات

(معروف اداره درج نمیشود)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دوائی و فواید ملتی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

تلگراف مخصوص از مشهد

(تاریخ ۸ ماه جولائی سنه ۱۹۱۲)

(جبل‌التین کلکتہ)

شاهزاده نیرالدوله با خلوص نیت مجللاً بدست
خود افتتاح مرمت بقعه منبرکه رضوی را فرمودند
بهاءالتولیه

جبل‌التین

فریاد مسلمانان عالم تنها برای خرابیهای ظاهری
بقعه مطهره رضویه نه بوده و نیست که از عهد
یک نفر مسلمانان خارجه و داخله بخوبی برمیاید
فقط سوزش درونی آنها برای توهینانیت که بر آن
بقعه واجب الاحرام و روحانیت اسلام پیش آمده
زخم درونی مسلمانان تاوقتیکه تلافی آن توهینات نشود
مرهم پذیر نتواند شد و مسلمین عالم از عزا بیرون
نتواند آمد

آیا جلوگیری از آن دستهایکه به خراب بقعه
مطهره برداخته شده است که در آینده چنین وقعه
ناگواری پیش نیاید؟ آیا فائیکه از خزینه ودخیره
های حضرتی بشارت رفته از این تسیر بدست میاید
که قیمت هر یک از آن پیش از تعمیرات ظاهری
بقعه مطهره است؟ آیا قطع نفوذ روسیان از خطه
خراسان و شهر مشهد مقدس وقعه رضویه برای
آینده از این تعمیر نتواند گردید؟ بقیده جمیع
مسلمانان تاوقتیکه تلافی مافات از آن واقعات اسلام
سوز نشود بهر آن است که خرابیهای ظاهری بقعه
مطهره باقی ماند تا سبب فراموشی مسلمانان

نگریده اسباب انبیا آنها در آمده بگردد ما از
صرف عموم مسلمانان پس از تشرکات صمیمی از شاهزاده
نیرالدوله فرمانفرمای جدید خراسان تمامینانیم که یک
دفعه این مظالم اسلام سوز را تا تلافی حقیقی نشود
تسیر نفرمایند یعنی زخم درونی اسلام را به التیام
ظاهری آن مستورندارند آیا تدارکی نموده‌اند که در
آیه چنین واقعات اسلام سوز پیش نیاید

فاجعه خراسان

(و قبر بطوس یادها من مصیبه)

(الحمت علی الاحشاء بالزفرات)

بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر
با سپهر سکوی از تربت خونین بر
با بی بر گو کز حالت فرزند غریب
وان مصیبتها آیا بودن هیچ خبر؟
هیچ دانی که چه بوده است غریبان را حال
با چه رفته است (غریب‌الغربا) را بر سر؟
چه گذشته است ز بد خواب بران پور غریب
چه رسیده است ز بیداد بران نور بصر؟
چه رسیده است از این دیو نژادان شراب
بر حرم حرم پادشاه جن و پسر
سعی کردند اینان بجگر گوشه تو
که ز شرحش چکد از دیده سرا خون جگر
انقدر هست که سوی تو ازین تربت پاک
خاک خوث آلود آرد پس ازین باد سحر

فك آت ياه ستم كرد كه در نبرو داشت
 ای درینا ز حای فك استمگر !
 ایچب با سراف نی و آل علی
 آسراف کینه دیرین را بگرفت ز سر
 ایچب آل علی را کشد و از پس مرگ
 مدفنش را کشد از توپ عدو زیرو زبر
 ایسلمانان گر قبر کس از حادۀ
 شردی و براف در ما کندی سخت اثر
 پس بیاید و به بنید که در کاخ « رضا »
 توپ ویران گر « روس » است که افکنده شرر
 چشمه در زید و به بنید که این پاك حرم
 فنگاهی است که خون موج زند سر تا سر
 نی نصاری ! تو چه گوئی کس اگر آید باز
 در کایا و ککه باز نگیرد از سر
 پس بیای لختی و پیداد عدو را بشنو
 پس بیای باز و زیارتگه ما را بگر
 بگر باز که این خیره تمدن خواهان
 کرده آت کار که وحشی نماید باور
 حادرات بینی گریاف بسراف فرزند
 کودتک بینی نالان ز فراق مادر
 شوهران بینی جویان بی گم گشته عیان
 رنگان بینی بویان بی نش شوهر !
 یکطرف مردان جان داده همه بی نصیر
 یکطرف نسوان افتاده همه بی منجر !
 یک جماعت را قزاق قهرم است کاو
 یک جماعت را سالدات شکسته است کر !
 حد کشته قتاده است بهلای جسد
 پیکر خسته قتاده است روی پیکر
 تیر باریده بر ایشان ز دو سو چون باران
 توپ غریبه بر ایشان ز دو سو چون تندر
 هشتصد مرد و زن از بومی و زوار غریب
 داده جان از پورش لشکر روس کافر
 نه مرایشان را بوده است بسراشور نبرد
 به مر انسان را بوده است به کف تیر و تیر
 همه وا مانده کبکد فلت افسون ساز
 همه سیلی خور دست فلت افسون گر
 همه از بیم پاهنده بدربار رضا
 همه از دشمن نالنده به پیش داور

بر چنین مسافه بگه از جا طرف
 تیر باریدند آت مسافه کین گستر
 ایچب روس همگوید چون فتنه گران
 اندراف ناحیه پاك نمودند مقرر
 والی ملك هم از کیششان عجز نمود
 زان سبب دادم من فتنه گرانو کینر
 ماهی گوئیم این فتنه و آن فتنه گران
 خود نه از فتنه گریهای شما بود مگر
 زر فسادید در اول بسراف اشراو
 نا که این فتنه بیارده شد از نیروی زر
 هم ازین روی در این حمله و کشتار بزرگ
 فتنه سازان را اصلا نرسید ایچ ضرر
 همه را راه کشادید ولی از این سو
 پیکان را بگرفتید همی گرد اندر
 دور همی گوئید از این همه ما بی خبرم
 کاخ و مسجد را و براف ز چه کردید دگر
 مفسد از فتنه کشند کاخ رضا را چه گناه
 مار اگر حبله کند باع جان را چه خطر
 بقوه کاخ اگر بود مقام اشراو
 زچه گنبد را کردید خراب و ابتر
 زچه بر گنبد از جا صرف توپ زدید
 خود مگر گنبد بوده است کسی را سنگر
 بقوه و کاخ رضا را زچه غارت کردید
 ای همه راهزن و بد کنش و غارتگر
 چونکه زوار امان خواست چرا لشکریان
 توپ بستند بر آت بیگانهان بار دگر
 ای مسلمانان زین واقعه خون گریه کنید
 که نموده است (رضا) کسوت خونین در بر
 ای زنان چادر نیلی بر اندر بکشید
 ز آنکه (زهرا) را نیلی است بر بر چادر
 از خوارج شد اگر کاخ حسینی و براف
 شد زبیدار (سلو) کاخ رضا و براف تو
 نه همانا بد این کاخ همان کاخ رضا
 خانه دین نبی بود که شد زیر و زور
 نه بگنبد خورد این آت مکسیم کوروب
 بلکه بر قلب علی خورد و دل یغمیر
 ما اگر خانه خرابیم ز کس مان گاه نیست
 کاین خرابی همه از ماست در انجام نظر

صاحب خانه اگر باز نه بندد در خانه بش
کانه نیست اگر دزد در آید از در
چه گزیر است ز ماهیت طبع بشری
که بدو گوئیم از مال کسان بهره نبر
صعوه را گوئیم از صید ماخ دست بدار
باشه را گوئیم از خون چکاوک بگذر
تو هم ای شاهین کبکان را زین بش بگیر
تو هم ای شیر نزالان را زین پیش مدر
گر چنین گوئیم ای خواجه همانا که خطا است
ز آن که طبع حیوانی را این است گهر
گر ضعیفات را بر خویش حراست نبود
بر در و بر زنتان خیلی قوی راست گذر
ای مسلمات تا چند بومس و خیال
ای مسلمات تا چند به بوک و به مکر
هر که او از خود و از خانه حفاظت نکند
نبود حافظ او نیز خدایه اکبر
نیست انسان را جز آن که در او سعی نمود
این چنین گنت پیمبر بهابوث دفتر
پس تو چون رنج نبردی ز که میخواهی گنج
پس تو چون سگ ننگیدی ز که میخواهی زر
مردم بک دن [عند] به ما در نگرند
گر ز ضرران کند این چمه به کلانته گذر

تلاقی امپراطور روس و آلمان

یا

(اضلابات آینده عوام اسلامی)

آشنایان جراید نیکو می دانند که از ملاقات
(پوتسم) امپراطورین اخلاب عظیم در ایران و عثمانی
روی نمود هنوز ملاقات پوتسم خاتمه نیافته بود که
دولت روس درازدید قشون خویش در صوبه آذربایجان
خصوصاً در نواح ارومیه و اردبیل و گیلان افزود
و از آن بعد هم نتایجی که از آن از دیداد قشون
برای ایران پیش آمد چندان لازم به بیان نیست
چندی نگذشت که مسئله طرابلس غرب که یکی
از نتایج ملاقات پوتسم است روی داد و یک
رابطه صمیمانه بین ایتالی و روس قائم گردید و
نتیجه این شد که عثمانی را بملاحظه روس در آسیای
صغیر و اناطولی باندازه تشویش پیش آمد که کاملاً
نتوانست بمقابله ایتالی پردازد و عاقبت نتیجه این
شد که ایتالی در کلبه سواحل عثمانی بنای تاخ و

ناز را نهاد ملاقات کنونی امپراطورین حصه عمده اش باز
هم راجع به ایران و عثمانی خواهد بود. چه دولت
آلمان کلبه نظریش به آسیای صغیر عثمانی است و اگر
قبل از وقت با دولت روس تصفیه اقدامات خویش
را نه نماید ممکن است دچار مشکلاتی دیگر بشود
رموز دانان سیاست می دانند که امروزه مسلک
آلمان جنک حوثی و توسعه مملکت است و میدانی
برای این امر جز بمسأله اسلامی دیده نمی شود
چون در اروپا و افریقا نشانه که بدون مقابله سخت
آلمان به تواند استیلا جوید باقی نماند و تا وقتیکه
مسئله آسیای صغیر و آسیای وسطی تصفیه نیابد
درازدستی باقصای شرق خالی از مخاطره نیست
چه از یک طرف در اقصای شرق تهدید می مانند
ژابون موجود و از طرف دیگر تمام رقبای آلمان چشم
پان خطه وسیعه دوخته و ترضیه تمام دول هم کاری
پس مشکل است خصوصاً چون انگلیس و فرانس
را رسوخ و نفوذ تام در مملکت آسیای موجود
است بهسولت راضی نتوانند شد که رقبای مانند
آلمان در آن خطه پیدا کنند این است که تمام هم
خود شان را آلمانیان به تصفیه ممالک اسلامی یعنی
آسیای صغیر و آسیای وسطی منصرف ساخته و یقین
داریم پس از اینکه در این دو نقطه کار بر مرام
خود نمودند و اندازه انگلیسان را بمناسبت هند
مشوش خواهند داشت که بهسولت مانع آنان در
انصای شرق نتواند گردید اگرچه موضوع ملاقات
امپراطورین نمزیه ممالک اسلامی است و لمدر باین در هم
شکستن قوای انگلستان در آسیای باشد آلمان تمام هم خود
را باز دیداد قوای جنگی بر او بمرأه صرف داشته انگلیسان
را بشویش انداخته است و چون روسیه یک قوت است
می تواند چندی آلمان را در اروپا مشغول دارد
از چند سال باین طرف بساخت فراسه روس را بدوستی
خود جلب نموده و بجای اینکه از دوستی روس فایده
برگیرند خصوصاً در معاملات ایران نفعان حاصل کردند
و روسها هم که موقع را مناسب دیده دوروش
اختیار کرده در باطن اظهار مودت بلانان نموده و
در ظاهر برای جلب منافع خویش فرانس و
انگلیس را از دست نمیدهد و باین مسلک عمیقانه
سیاسی دولت روس شکستهای خود را در انصای
شرق که توپیش قرنیه لازم داشت در

قبل زمامت مرمت نمود و اینک رقیب بزرگ انگلیس در آسیا کاکان گردیده توجه خویش را برای مشوش داشتن انگلیسان از چند جانب بعرف هندوستان انداخته و بدان وسیله از قسطنطین دیگر مانند منگولیا و آذربایجان و گیلان و خراسان غایب برمیگردد انگلیسان از زمانیکه مسلک مرعوبیت اختیار نموده یعنی بنام صلح خواهی و امنیت خوئی پیش آمده اند رقبایش آلمان و روس زاید الوصف بر وی چیره آمده فعلا با واسطه بمنافع او در ممالک قریب و جوار هند نقصان وارد آورده تا آن موقع برسد که بلا واسطه منافع او را در هندوستان تهدید نمایند ملاقات لارڈ هالدين با وزیرای آلمان گویا نتیجه مطلوبه را حاصل نموده چه بجایه کمی بر از دید فواید جنگی صرفین می افزایند روس این موقع را مناسب یافته می خواهد در سایه مالیه فرانس و انگلیس با سم دوستی قوای بحریه خویش را تجدید نموده بر اساسی محکم استوار دارد

مسئله راه آهن این سر تا آن سر ایران دولت آلمان را بیش از پیش مشوش داشته ملاقات (باتیست) فراهم آمد اگرچه تا کنون نتیجه این ملاقات ظاهر نگردیده ولی رموز دلمان میدانند که تسویه آسیای وسطی و آسیای صغیر خاصه خلیج فارس موضوع بحث آمده یک اشکال بزرگی برای انگلیسان پیش خواهد آورد اگر چه صدمه آن با واسطه بایران و عثمانی یعنی به ممالک اسلامی وارد می آید ولی با واسطه انگلیسان هم بی صدمه نخواهند ماند و این ها نتیجه سهو سیاسی سرادردگری است که کتاب های ضخیم بر آن نوشته آمده و هنوز هم بحویش نیامده است . راه آهن بغداد عنقریب ختم میشود و خلیج فارس مرکز مناقشه دول و نقطه رقابت بین المللی واقع خواهد گردید و انگلستان عاجز خواهد ماند از اینکه دعوی اولویت خود را بر خلیج فارس قائم دارد در هر صورت از این ملاقات های سیاسی نتیجه جز تقسیم و تجزیه ممالک اسلامی بنظر نمیرسد ولی گله های بی منز ایرانی و عثمانی هنوز بی محقیقت این ملاقات ها به برده بخانه جنگی مشغول و خویشین را بدامان این و آن می اندازند

(بقیه در صفحه ۲۱ همین شماره)

از ترجمه روزنامه مانتن

(مکتوب مولی حنیظ و پیشنهاد او)

موسیو مورس لوفج میجوئ له روم در خصوص معاهده حسابت که میان فرانسه و مولی حنیظ مندر شده را برتی توزیع نموده و در آن راپرت چند و ناشی که شایسته تامل است موجود بوده نخست از آنها نوطه ایست که در تاریخ ۱۷ نشرین

۱۹۱۱ در ضمن طلب حسابت مولی حنیظ از فرانسه نوشته شده در ماده اول پیشنهاد مذکور پادشاه فاس چنین بیان میکند

شرف و حیثیت امپراطوری فاس و احترام و تنظیم اش و مراعات عادات خصوصی و عمومی مجبور الاجرا باید بدون اینکه خللی با اساس آئینادات برسد مانند گذشته ها از تعرض محفوظ بماند . چنانکه در نزد حکومت فرانسه مسلم بوده که از چهار عصر قبل تا کنون خانواده شریفه حکمرانی و فرمان روائ کرده لهذا پایداری نفوذ این خانواده که پشت اندر پشت داراست مقتضی میباشد . و بواسطه اینملاحظه است که نظر دقت حکومت فرانسه را جلب میکنم که امپراطوری فاس از تاریخ فتح تا کنون مستملکه احدی نشده و ۱۴ عصر است که شرف و حیثیت خود را نگاه داشته است لهذا نمیتوان مسئله فاس را با مستملکه که از طرف یک حکومت مؤسسه اداره میشود قیاس نمود

بعد مولی حنیظ از حال و موقع حرم های خودش مینویسد

« پس از تعلق ارادت الله همه عائله من مظهر اعزاز و احترام و دارای وسائط زندگی خواهد شد هیچ يك از زمام بیرون از سرای نخواهند شد و خواه آزاد و خواه اسیر باشند چیزهاییکه در زندگی خودم برای آنها به کرده ام خواهند گرفت . و بعد از وفات من همه آنها ائتاق شده و آسیبی بر آنها نخواهد رسید . و حق خود را محافظه میکنم برای آنکه چهار نفر از فرزندان خودم را بیشتر را با سمت متشی به احوال این زنان مامور مینمایم و حق دقت و مواظبت به آنها عاید بولایت عهد است ، مهمنا چنانکه از حرمهایم که صاحب اولاد هستند حق خواهند داشت که با فرزندان من در سرای به نشینند همان قسم سایرین هم حق دارند اگر نخواهند برای ناهل از سرای افشاک نمایند آنها را شرط نظارت و لبعهد سلطنت و نیقه دویم که مولی حنیظ بوزیر خارجه فرانسه نوشته و فرستاده این است از طرف مولی حنیظ بوزیر خارجه فرانسه مسیو (سهلوه)

پس از درود و ستایش

بنامه هست در میان اعراب ، که گفته اند (شنیدن کی بود مانند دیدن) و نمیتوانست این حقیقت و انکار نمود .

ذات شرافتآب ما هم آرزو مینمایم که مسموعات را با مشهورات خودمان موافقت بدهیم .

در حالتیکه اخباریکه در حق ممالک اروپا جا میرسد صمیمی بوده و فتوحات و نتایج منطقه قنون

برپوشان وار با يك لرزش همیشه گی باقی بماند .
برگزیده شدگان شوست و کارکنان و مستخدمین
دیگر را که بفرقه دوکراتی یا بدوستی شوست
منسوب بوده اند بدون هیچ جرمی از ادارات
خارج کرده و نقطه های مقابل آنهارا گله گله در
آن سوراخها و بیفوله های منفعت کارانه جای میدهد.
و بلکه اساس هائی که متر شوستر و غیره برای
انتظام مرکز و سایر نقاط جیده بودند خراب
میکند. مثلاً همین متر شوستر برای جلوگیری از
هجوم يك قحطی و گرانی فرضی مان اساسی برای
تهیه گندم نهاده بود - آن اساس را بمحض مرخصی
شوستر عوامل دولت خراب کرده و خنثی نهادند
و حالا که نان اندکی گران شده یکی یکی از کار
بردازان دولت مسئولیت این پیش آمد را بدوش
رفیقان میگذارند

وقتی که شوای بی نانی و اوایلای بی گوشت سر تا
سر طهران را احاطه میکند حکومت طهران از يك
طرف عدم مسئولیت خود را از تربیب نان و
گوشت بنوسط اوراق مطبوعه شهری انتشار میدهد
نقطه مرکزی حکومت از طرفی دیگر به گرسنگان
شهری (یکدسته از زنها) میگوید که « تبریزها »
علف بیابان خوردند .

شما هم علف بخورید . و دست از سرمن بردارید
و باین حرف میخوانید گرسنگان را سالت و
اقناع میکنند . فقط نمیدانند هیئت که امروز مقام
صوری و معنوی سلطنت کیان را احراز کرده و
در سیاسیات خارجی و داخلی مملکت صاحب رای
و حکمفرماست . نباید فقط زندگان مهرازا را بملف
خواری تشویق دهد و حال اینکه خودشان
ماهی مسالنی از صندوق همین ملت قحط زده
برداشت میکنند . و نیز میبینند انبار (نوما
نیاس) را که محلو از ~~کنند~~ م است که بازر
شوستر با يك ملاحظه پیش بینانه خریده شده
است . و میداند که در انبار علاءالدوله چه قدر
غله موجود است . و غیره و غیره

عجب این جاست . با این بی نانی و باین یاس عمیق
عوامل دولت از تهیه نان یکدفعه بدون آمدن گندم
و نبودن پیش از چند خروار جو در انبار
دولتی نان فراوان و خوب میشود این جا باید اندیشه

در نزد ما محقق شده باز در آنباب شبهه و تردد
ما موجود است . بنا علیه آرزوی اینرا که داشتیم
که سیاحت و مسافرت کرده و حوالی مطامع شمس
علم را تنها نمانیم اما باره موافقی درمییافت بود که
همه وقت مانع اجرای تصورات و آرزو های ما
بوده و آن خیال از قوه فعل نیامد

اما امروز ائتلاف صریحی با حکومت معظمه
شما حاصل و در سبب معاونت اش موافق و حائل
اجرای تصورات ما قطعاً رفع شده فکر و نیت
ما باز همان تصور طایل بوده و مقرر داشتیم که آن
سیاحت را سال آینده در ماه می اختیار نمایم

نخست میخوانیم بیای تخت فرانسه (پاریس)
عزیزت نمایم ، چون اشیاء متفرق محال سابر همه
در آنجا گرد آمده است ، چیزهاییکه در سایر
شهر فرانسه خواهیم دید مضم اشیا را خواهیم
شمرد که در پاریس خواهیم دید و این سیاحت
قسم دوم مسافرت ما خواهد بود

چون میدانیم که ورود ما به پاریس چه اندازه
موجب ممنوعیت شما بوده و ذات شرافتآب ما هم در
پایتخت بر شان شما جدا حسن قبولی و شایسته خواهد
دید لهذا ذات وزارت بناه شما را از تصور خود
مان مطلع نمودیم

و ما یقین داریم حکومت با عظمت شما وسایل
مسرت و ممنوعیت برای ما تدارک خواهد نمود -
باقی در تندرستی پایدار باشید -

(آصف)

عنوانی است که یکی از جراید خارجه رسیده

(طهران و حکومت حاضره)

حکومت حاضره مادارای چه مشهوری است ؟
فقط بدون هیچ شکی میتوانیم بگوئیم که حکومت
حاضره ایران يك حکومت دیکتاتوری است که نه
حکم خودش را بدست یاری عوامل غیر صادقانه
اش توانسته است از حوزه رفیقه خودش دورتر
سوق دهد . و نه توانسته است يك توجهی از
ملت جلب کند که آن جلب توجه مابۀ آفت
بشود که اخیراً بتواند احکام خودش را در مملکت
سریع الاجرا نماید

این هیئت حاکیه برای اینکه ~~سکارها~~ صورت
حصول نه باید ، و اساس های اداری و غیر اداری